

الحمد لله

واکاوی مقولهٔ کنترل جمعیت با رویکرد دینی



مسلم شوبکالائی

<http://mshobkalayi.blogfa.com>

ماه پرستم به عرشۀ توحید و درد خویش
به صد رکوع چاره می کنم!

فهرست مطالب

چکیده.....	۲
درآمد.....	۴
مفهوم‌شناسی.....	۹
۱. نظریه کنترل جمعیت.....	۱۱
۲. نظریه مخالفان کنترل جمعیت.....	۵۰
۳. نظریه اعتدال.....	۷۲

چکیده

پرداختن به مقوله «کنترل جمعیت» از جهات گوناگون لازم می‌نماید، زیرا از سویی بحران‌های ناشی از کثرت جمعیت و کمبود امکانات مادی و معنوی، برخی را واداشته تا بر این ایده تکیه زنند که تنها راه نجات کنترل و، در نتیجه، کاهش رشد جمعیت است. از سویی دیگر، گروهی نه تنها افزایش جمعیت را موجب به وجود آمدن چنین بحران‌هایی در جهان نمی‌دانند بلکه آن را عامل اصلی پیشرفت و توسعه مادی و معنوی جامعه در عرصه‌های گوناگون می‌دانند. این گروه معتقدند نگاه کاهش-گرایانه و توصیه به حداقل زادوولد - که مشرق زمین به‌ویژه کشورهای اسلامی را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است- نباید با غفلت از پیامدهای منفی‌اش در ابعاد اخلاقی، اجتماعی، صنعتی و توسعه اقتصادی، و تنها به امید کسب آرامش و آسایش زودگذر زندگی مورد اهتمام و تبلیغ قرار گیرد.

در این میان، به نظر می‌رسد رویکرد اسلام نسبت به «کنترل جمعیت» به جهت ضرورت حفظ و بقای نسل، و

افزایش جمعیت مسلمانان، رویکردی میانه و بر مسیر اعتدال است. توجه دقیق و ظریف اسلام به تمام ابعاد وجودی انسان مانند ابعاد فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، امنیتی و تأمین نیازهای مادی و معنوی، از جمله مقوله جمعیت، از اصول حکیمانه این مکتب است، به گونه ای که با استناد به ادله عقلی و نقلی، هرگونه گرایش به افراط و تفریط برای پیروان این مکتب جایز نیست. توضیح نگاه اعتدالی اسلام به این مقوله، با کندوکاو در دو نکته محقق می گردد:

- اول اینکه نمادهای پیشرفت جامعه زمانی تجلی پیدا می کند که کشور از نیروی انسانی کارآمد و دارای ظرفیت بالای تخصصی برخوردار باشد و بحرانها زمانی قابل پیشگیری، کنترل یا مهار کردن می شود که افراد متخصص بیشتری در عرصه اجتماعی فعال باشند. بر این اساس، هرگونه ضعف، نقصان و کاستی جامعه اسلامی در اقتصاد، فناوری و روابط بین الملل و نیز در رفع بحران-هایی که ناشی از محدود کردن زادوولد باشد، مردود است

- دوم اینکه موضوع کنترل جمعیت و تحدید نسل مسلمانان به سبب اثرگذاری در باروری فرهنگی، تأمین رفاه اقتصادی و نیز کاهش آسیب های اجتماعی مسئله ای درخور توجه است.

درآمد

در عصری که محدودیت منابع طبیعی و کمبود منابع غذایی جهان به همراه بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها، رشد بی‌سابقه جمعیت را به فاجعه‌ای بزرگ و انفجاری کنترل‌ناشدنی منجر کرده است، توصیه سیاست‌مداران و اقتصاددانان غربی، به جای سامان‌بخشی به نحوه توزیع ثروت در جهان، توصیه به باروری کنترل‌شده است. این گروه و پیروانشان نوع سیاستی را که برای کاهش جمعیت دنبال کرده‌اند، رویکرد به مسائل مادی و امکانات طبیعی و اجتماعی در وهله اول و به مسائل فرهنگی جامعه در نگاهی دوردست است. آنها بر این عقیده‌اند که برای جلوگیری از فقر، گرانی، قانون‌شکنی و انواع مفسدات از قتل، غارت، تجاوز، ناامنی و فتنه‌انگیزی به جان و مال افراد نیاز به کنترل مولید و جلوگیری از زادوولد برنامه‌ریزی‌نشده با بهره‌گیری از روش‌های مدرن است، روش‌هایی که معرفی آنها به مردان و زنان جامعه ضروری است.

از طرفداران کنترل جمعیت در غرب که دارای تألیفات و آثار علمی در این مورد هستند می‌توان از جان اسمیت و دیوید نام برد که مهار کردن جمعیت را امری ضروری تشخیص داده‌اند و نیز از اقتصاددانان مخالف افزایش جمعیت در دوره حاضر می‌توان از مالتوس، آدام اسمیت و ریکاردو نام برد.^۱

در کشورهای اسلامی نیز عده‌ای با رویکرد دینی به طرفداری از این نظریه ترغیب شده‌اند؛ گرچه برخی از آنها به صراحت نظر خود را اعلام نکنند اما با تبیین اشکالات، انتقادات و تعقیب سخن و نوشته‌شان می‌توان بر وفاداری آنان به این اندیشه حکم کرد.^۲ به این ترتیب، متفکران دینی در این باره به دو گروه موافق و مخالف تقسیم شده‌اند و هر یک با تمسک به ادله عقلی و نقلی در صدد اثبات عقیده خویش برآمده‌اند. بررسی دلایل هر

^۱. ر.ک: رشد جمعیت تنظیم خانواده و سقط جنین، محمد هادی طلعتی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳ش، ص ۵۰-۵۸.

^۲. برای نمونه ر.ک: الحیاه، حکیمی، قم، انتشارات دلیلنا، ۱۳۸۰ش، ج ۸، ص ۴۳۵.

یک از این دو گروه ما را در جهت درک نگاه ژرف اسلام به موضوع جمعیت یاری خواهد داد.

نگاه نواندیش - و به نظر آنهایی که این نگره و نظریه را مطرح کرده‌اند نگاه واقع‌بینانه - در پی آن است که محدود کردن تعداد فرزندان را از همین تعالیم دینی بیرون بکشد، با این توضیح که مجموع تعالیم اسلامی دربارهٔ اصالت تربیت و آماده‌سازی شرایط رشد و شکوفایی فرزندان، ما را به این موضوع رهنمون می‌شود که تحدید نسل و کمی فرزندان مطلوب است، به‌ویژه در شرایط و زمینه‌هایی که افزایش فرزندان تربیت، رشد و آموزش آنان را یا مختل یا ناممکن می‌سازد. کسانی که مدعی‌اند رویهٔ پیشنهادی دین در عرصهٔ کنونی کنترل جمعیت است، در ادامهٔ سخن چنین استدلال می‌آورند:

- در قرآن برای فرزندان تعبیر «قُرَّةُ أَعْيُنٍ» (فرقان: ۷۴)، یعنی مایهٔ روشنی چشم و سرافرازی خانواده، آمده است. در اینجا سؤال مناسبی است اگر پرسیده شود: فرزندان ول‌شده و فاقد امکانات بهداشتی، آموزشی و تربیتی چگونه می‌توانند مایهٔ روشنی چشم باشند؛ نتیجه اینکه این آیه در مفهوم وسیع خود به‌گونه‌ای به اهمیت سامان‌دهی رشد جسمی و روانی فرزندان هشدار می‌دهد.

- از سویی دیگر اصولاً در قرآن کثرت نسل از لوازم سرمایه‌داری و زندگی طاغوتی به حساب آمده است، زیرا سرمایه‌داران و طاغوت‌ها با انگیزه‌های لذت‌جویی و تنوع‌خواهی به ازدواج‌های پیاپی و گرایش‌های جنسی بی‌حد روی آوردند و از کثرت فرزندان باکی نداشتند بلکه از فرزندان به‌عنوان ابزاری برای تحکیم سلطه خویش بر تهیدستان و استثمار خلق بهره می‌گرفتند، به‌ویژه که در دوران گذشته، تعداد نفرات خانواده‌ها نوعی قدرت شمرده می‌شده است. چنین تفکری ضد تفکر اصیل دینی است که در مسائل جنسی به رعایت حد اعتدال و میانه‌روی فرامی‌خواند و از هرگونه لذت‌جویی و زنجارگی پرهیز می‌دهد و عفت و عفاف را اصلی ارزشی در برابر شهوترانی و زنجارگی معرفی می‌کند. نتیجه این نگاه قرآنی دعوت به تحدید نسل و کنترل آن است.

- موضوع تحدید نسل و کنترل موالید به‌صراحت در تعالیم حدیثی نیز آمده و به برخی از راه‌ها و شیوه‌های پیشگیری از افزایش فرزند در کتب حدیثی و فقهی اشارت رفته و این کار در اسلام مجاز شمرده شده است، تا آنجا که می‌توان با تعمیم علت حکم، یعنی جواز تحدید، بیشتر راه‌های پیشگیری یا همه آنها را - البته به

شرطی که برای زن یا مرد زبانی نداشته باشد - به رسمیت شناخت.

در مقابل، مخالفان کنترل جمعیت (موافقان افزایش جمعیت) نیز، با توجه به اصول و مبانی اولیه در باب ازدواج و تشکیل خانواده، به ادله‌ای که مبنای افزایش رشد جمعیت را تقویت نماید تمسک جسته‌اند و هرگونه دلیل یا انتقادی را که موافقان کنترل جمعیت مطرح نمایند پاسخ داده یا توجیه کرده‌اند. اینان با بهره‌گیری از ادله شرعی، مانند آیات و روایات و دیگر ادله فقهی درصدد اثبات ضرورت افزایش نسل مسلمانان و هرگونه برنامه‌ای را که در پی تحدید نسل و پیشگیری از افزایش نسل مسلمانان باشد از نظر شرع مردود می‌دانند، مگر در برخی موارد استثنایی، آنهم در حالت فردی نه اجتماعی که ممکن است راه‌هایی برای جلوگیری از بارداری مطابق نظر شرع جایز باشد.

این نوشتار، پس از مفهوم‌شناسی مختصر، ابتدا به ذکر ادله طرفداران کنترل جمعیت پرداخته، سپس به نقل مهم‌ترین ادله موافقان افزایش جمعیت و بعد از آن به بیان نظریه اعتدال همت گمارده است. سعی بر این است که متن حاضر با نگاهی منطقی و واقع‌بینانه تا حد امکان به

جمع‌بندی ادله و نتیجه‌گیری بی‌طرفانه بپردازد و این دو رویکرد درون‌دینی را به آشتی برساند.

مفهوم‌شناسی

نخستین بار خانم مارگارت سانجر آمریکایی اصطلاح «کنترل موالید» را به‌کاربرد. انگیزه اصلی وی در این توصیه، به‌زعم وی، دفاع از حقوق زنان و تبلیغ ایده فمینیسم (برابری حقوق زن و مرد) بوده است. وی که از پیشگامان و طرفداران نهضت آزادی زنان در غرب بوده، کنترل موالید را برای دستیابی به این هدف ضروری می‌داند. تعریف خانم سانجر از کنترل موالید به این صورت است:

کنترل موالید عبارت است از کنترل ارادی تعداد فرزندان و فاصله‌گذاری میان فرزندان یک خانواده که رشته‌ای گسترده از روش‌هایی را دربرمی‌گیرد که برای تنظیم باروری انسانی به‌کار گرفته می‌شود.^۱

۱. رشد جمعیت تنظیم خانواده و سقط جنین، ص ۳۲.

توصیه به چنین شیوه‌ای در تنظیم باروری و تولید مثل پیامدهایی از قبیل تأخیر ازدواج، پرهیز از روش‌های معمولی مقاربت پس از ازدواج، به‌کارگیری روش‌های جلوگیری از بارداری، عقیم‌سازی مرد یا زن با عمل جراحی و اقدام به سقط جنین و کوتاه‌تر را در پی داشت.

به پیروی از این نگرش، دیگر متفکران غربی اصطلاحات دیگری نظیر «تنظیم خانواده»، «پدر و مادر شدن برنامه‌ریزی شده»، «پدر و مادر مسئولیت‌پذیر»، «پدر و مادر شدن از روی اختیار»، «کنترل بارداری» و «تنظیم بارداری» را جعل کرده، به توضیح هر یک پرداخته‌اند؛ گرچه در نگاه نخست این اصطلاحات هم‌سو با ایده «کنترل موالید» تفسیر می‌شود اما نباید انکار کرد هر یک از آنها، در پایان راه، هدف خاصی را پیش گرفته‌اند.^۱

دقتی هوشمندانه در متون دینی و تفسیری و فقهی ما را به وجود اصطلاحاتی معادل این اصطلاحات مدرن در حیطة موضوع کنترل جمعیت رهنمون می‌شود؛

۱. همان، ص ۳۲-۳۳.

اصطلاحاتی که در سخن و نوشتار فقیهان نمود پیدا کرده است، از جمله: عزل، ضبط نسل، تحدید نسل و منع حمل. این تعبیرات گرچه از سامان‌دهی تولید نسل و زادوولد از روی اراده و اختیار و بارضایت پدر و مادر در دیدگاه عالمان دینی حکایت دارد اما نمی‌تواند رأی نهایی اسلام در این مقوله باشد، بلکه باید رأی نهایی را با جمع‌بندی بحث دریافت.

در این بخش از نوشتار به ذکر فتاوی فقها در مورد جواز یا عدم جواز به‌کارگیری نوع روش‌های توصیه‌شده برای جلوگیری از باروری و تولید نسل پرداخته می‌شود تا اولاً، ضمن آشنایی با روش‌های متداول پیشگیری از بارداری، درگیری عملی با منظر بحث نشان دهد که چگونه علمای دین پاسخگوی مسائل مستحدثه هستند و ثانیاً، شاید بتوان حکم مسئله کنترل جمعیت را از میان این برداشت‌های فقهی بیرون کشید.

۱. نظریه کنترل جمعیت

شیوه‌های پیشگیری از بارداری در طول تاریخ به تناسب ارتقای سطح دانش انسان‌ها و پیشرفت علم پزشکی همواره متغیر بوده است. آنچه را که کارشناسان و پزشکان

متخصص به عنوان معروف‌ترین و مهم‌ترین روش‌های رایج و معمول در بین اقوام و به‌خصوص در چند دهه اخیر بیان کرده‌اند به طور عمده شش گروه است: روش‌های فیزیولوژیک، روش‌های شیمیایی، روش‌های مکانیکی (حصارکشی)، روش‌های ابزارهای داخلی رحمی، روش‌های هورمونی، روش‌های جراحی.^۱

طبیعی است که آشنایی با هر یک از روش‌های یادشده و نوع اثرگذاری و عوارض و پیامدهای آنها در اظهارنظرهای فقهی تأثیر بسزایی دارد. اثر بعضی از روش‌ها جلوگیری از لقاح است. برخی از شیوه‌ها مانع از رشد و نمو تخم بارور است. بعضی نیز دارای عواقب و پیامدهای نامطلوب جسمی و روانی است. از سویی دیگر، استفاده از بعضی روش‌ها مستلزم دخالت پزشک در معالجه و لمس و نظر به عورت زن یا مرد است. در به‌کارگیری بعضی روش‌ها سقط جنین تحقق می‌یابد و اثر بعضی روش‌ها صرفاً جلوگیری از انعقاد نطفه در رحم

^۱. مامایی و بیماری‌های زنان، رابرت ویلسون، ترجمه حبیب زاده، تهران، دانش -

پژوه، ۱۹۸۷م، ص ۳۶۳-۳۶۴.

است. بنابراین، از آنجاکه نوع اثرگذاری و نحوه کارکرد و کاربرد و عوارض و پیامدهای روش‌های معمول در جلوگیری از آبستنی متفاوت و مختلف است، شرط اساسی برای اظهار نظر فقهی یک فقیه شناخت دقیق موضوع و حکم با تمام خصوصیات دخیل آن است.

نظریه فقهی اکثر فقها با استناد به آیات و روایات و سیره عملی اهل بیت علیهم‌السلام به گونه‌ای است که انگیزه افزایش جمعیت مسلمانان مانع از جواز پیشگیری از بارداری نشده، جواز محدود کردن تولد فرزند منجر به فعل حرامی مانند نظر به عورت، سقط جنین یا نقص عضو نگردد. با توجه به اینکه می‌توان مسئله را با رجوع به رساله‌های عملیه و استفتائات مراجع به تفصیل پی گرفت، در این مقام، از باب نمونه به دیدگاه برخی از فقها در مورد چند مسئله فقهی اکتفا می‌شود:

محقق حلی که از فقهای بزرگ شیعه در قرن هفتم است در کتاب مختصرالنافع چندین بار به موضوع عزل - که

یکی از راه‌های جلوگیری از حاملگی زن است - اشاره
نموده، می‌نویسد:

عزل کردن در عقد متعه حتی بدون اجازه زن
جایز است.^۱

از بیان وی می‌توان جواز چگونگی کنترل و کاهش
جمعیت در فقه اسلامی را استفاده کرد. نکته آنکه این
جواز و مواردی از این دست در حکم توصیه به کاهش
جمعیت نیست.

در این زمینه، می‌توان به سخن شیخ مفید نیز توجه
کرد که چنین اظهار کرده است: «و لیس لاحد ان یعزل
الماء عن زوجة حرة الا ان ترضی منه بذلك»؛^۲ هیچ مردی
حق ندارد عزل کند، مگر آنکه همسر وی رضایت داشته
باشد.

گرچه ظاهر کلام شیخ مفید دلالت بر حرمت عزل در
فرض مذکور است، اما می‌توان از این حکم، جواز اصل
عزل و جلوگیری از حاملگی را که نتیجه‌ای جز کاهش

۱. مختصر النافع، ج ۲، ص ۲۴.

۲. المقنعه، شیخ مفید، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۱۶.

زادوولد و کنترل جمعیت و تنظیم خانواده ندارد به دست آورد، زیرا مشروط کردن این عمل بر رضایت زن مخالفتی با صحت و در بعضی از مواقع ضرورت آن ندارد. به این ترتیب، بر اساس فتاوی فقها، راه کنترل جمعیت - گرچه با روش طبیعی عزل و با شرایط خاص - مسدود نیست. بر همین اساس است تفسیر سخن شیخ طوسی درباره حکم عزل و جلوگیری از بارداری و حاملگی زن به سبب مردش، که چنین آورده است:

برای مرد کراحت دارد که بدون رضایت زن خود عزل کند و اگر انجام داد ترک فضیلتی کرده است. البته، در هنگام عقد اگر شرط کرد یا عقد دائم نبود، دیگر کراحت ندارد.^۱

در این قسمت، به نقل برخی از استفتائات و فتاوی علمای معاصر شیعه پیرامون کنترل جمعیت و تنظیم خانواده و استفاده از روش‌های جلوگیری از جمعیت پرداخته می‌شود:

۱. طوسی، النهایه، ص ۳۵۹.

۱. جلوگیری از حمل با بستن لوله‌های رحم یا عنین کردن مردان یا گذاشتن دستگاه‌های آی یو دی که موجب لمس و نظر می‌شود، آیا اشکال دارد یا نه؟

ج. عقیم کردن جایز نیست مگر اینکه خطر جانی برای زن داشته باشد و راه علاج منحصر به عقیم کردن باشد. در این صورت، اشکال ندارد و لمس و نظر به عورت زن برای غیرشوهر جایز نیست.^۱

۲. چه می‌فرمایید در مورد کنترل موالید به وسیله راه‌هایی که به نقص عضو منجر نمی‌شود مانند گذاشتن دستگاه آی یو وی و غیره؟

ج. جلوگیری از حمل اگر موجب نازایی و منجر به فساد و نقص عضو نشود و چگونگی عمل مستلزم نظر و لمس محرم شرعی نباشد، اشکال ندارد و گرنه، جایز نیست.^۲

۱. دفتر استفتائات آیت الله العظمی اراکی، ش ۶۹۴؛ به نقل از رساله نکاحیه، علامه

طهرانی، انتشارات حکمت، ۱۴۱۵ق، ص ۲۳۹-۲۴۰.

۲. مجله اندیشه، ۵ دی ۱۳۷۱، ص ۳؛ به نقل از رساله نکاحیه، ص ۲۴۰.

۳. اینجانب دارای ده فرزند می‌باشم و از نظر کثرت
اولاد در زحمت هستم می‌خواهم لوله‌های رحم را ببندم
آیا شرعاً جایز است یا خیر؟

ج. اگر موجب نازایی دائمی نشود و ضرر به مزاج و
عضو نرساند و شوهر راضی باشد و عمل همراه با
ارتکاب عمل غیرشرعی نباشد، اشکال ندارد.^۱

۴. بستن لوله‌های رحم برای جلوگیری از حامله شدن
چه صورتی دارد؟

ج. اگر موجب نازایی دائمی نشود و ضرر به مزاج
نرساند و همراه یا مستلزم محرم خارجی نشود، اشکال
ندارد.^۲

۵. بستن لوله‌های منی مرد برای جلوگیری از افزایش
جمعیت چه حکمی دارد؟

ج. اگر این کار با یک غرض عقلانی صورت بگیرد و
ضرر قابل ملاحظه‌ای هم نداشته باشد، فی نفسه اشکال
ندارد.^۱

۱. استفتائات امام خمینی (ره)، به نقل از رساله نکاحیه، ص ۱۳۵.

۲. استفتائات امام خمینی (ره)، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۸۳، س ۹.

۶. آیا برای زنی که سالم است، جلوگیری از بارداری

بطور موقت از طریق به کارگیری وسایل و موادی که از

انعقاد نطفه جلوگیری می کنند، جایز است؟

ج. اگر با موافقت شوهر باشد، اشکال ندارد.^۲

۷. آیا زن سالمی که حاملگی برای او ضرری ندارد،

جایز است از طریق عزل یا دستگاه دیافراگم یا خوردن

دارو و یا بستن لوله های رحم، از بارداری جلوگیری کند،

و آیا جایز است شوهرش او را به استفاده از یکی از این

راه ها غیر از عزل وادار نماید؟

ج. جلوگیری از بارداری فی نفسه به طریق عزل با

رضایت زن و شوهر اشکال ندارد و همچنین استفاده از

راه های دیگر هم اگر با یک غرض عقلایی صورت گیرد و

ضرر قابل ملاحظه ای هم نداشته و با اجازه شوهر بوده و

۱. أجابة الاستفتاءات لل خامنه ای، (فارسی)، قم، دفتر مقام معظم رهبری، ۱۴۲۴ هـ

ق، ص ۲۷۷.

۲. همان.

مستلزم لمس و نظر حرام نباشد، اشکال ندارد ولی شوهر حق ندارد همسر خود را به این کار وادار نماید.^۱

۸. مردی که دارای چهار فرزند است اقدام به بستن لوله‌های منی خود کرده است. آیا در صورت عدم رضایت زن، آن مرد گناهکار محسوب می‌شود؟

ج. جواز این کار متوقف بر رضایت زوجه نیست و چیزی بر عهدهٔ مرد نمی‌باشد.^۲

۹. آیا سقط جنین بر اثر مشکلات اقتصادی جایز است؟

ج. سقط جنین به مجرد وجود مشکلات و سختی‌های اقتصادی جایز نمی‌شود.^۳

۱۰. پزشک بعد از معاینه در ماه‌های اول حاملگی به زن گفته است که استمرار بارداری احتمال خطر جانی برای او دارد و در صورتی که حاملگی ادامه پیدا کند،

۱. همان، ص ۲۷۸.

۲. توضیح المسائل للخمینی (محشّی)، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۹۴۵، س ۱۲۵۹.

۳. همان، س ۱۲۶۰.

فرزندش ناقص‌الخلقه متولد خواهد شد و به همین دلیل پزشک دستور سقط جنین داده است. آیا این کار جایز است؟ و آیا سقط جنین قبل از دمیده شدن روح به آن جایز است؟

ج. ناقص‌الخلقه بودن جنین مجوز شرعی برای سقط جنین حتی قبل از ولوج روح در آن محسوب نمی‌شود، ولی اگر تهدید حیات مادر بر اثر استمرار حاملگی مستند به نظر پزشک متخصص و مورد اطمینان باشد، سقط جنین قبل از ولوج روح در آن اشکال ندارد.^۱

۱۱. آیا از بین بردن نطفه منعقدشده‌ای که در رحم مستقر شده، قبل رسیدن به مرحله علقه که تقریباً چهل روز طول می‌کشد، جایز است؟ و اصولاً در کدام یک از مراحل ذیل سقط جنین حرام است:

۱. نطفه استقرار یافته در رحم ۲. علقه ۳. مضغه ۴.

عظام (قبل از دمیدن روح)؟

۱. همان، س ۱۲۶۱.

ج. از بین بردن نطفه بعد از استقرار آن در رحم و همچنین سقط جنین در هیچ‌یک از مراحل بعدی جایز نیست.^۱

۱۲. بستن مجرای تناسلی مرد و زن برای عقیم شدن چه حکمی دارد؟

ج. قطع رگ و عقیم شدن ناقص است. و جایز نیست انسان خود را عقیم و ناقص کند. برای کنترل موالید راه‌های دیگر هست، مثل عزل نطفه و غیره که شرعاً بی‌اشکال است. و همین‌طور است نسبت به بانوان. بلی، بستن لوله‌ها به نحو موقت با رعایت مسائل محرم و نامحرمی مانعی ندارد.^۲

۱۳. با توجه به لزوم کنترل جمعیت، آیا بستن لوله‌های رحم در خانم‌ها اشکال دارد؟

ج. برای مدت موقت مانعی ندارد.^۳

۱. أجوبة الاستفتاءات (فارسی)، ص ۲۷۹، س ۱۲۶۳.

۲. جامع المسائل للفاضل (فارسی)، قم، انتشارات امیر قلم، ج ۱، ص ۴۵۸، س ۱۷۴۶.

۳. جامع المسائل للفاضل (فارسی)، ج ۱، ص ۴۵۸، س ۱۷۴۵.

۱۴. آیا اسلام موافق با رشد جمعیت است؟

ج. اسلام موافق با رشد جمعیت است از نظر اینکه آمار مسلمانان هرچه بیشتر باشد دلیل بر عظمت و قدرت آنها است. ولی در برخی از شرایط خاص به عنوان آن شرایط موافق با رشد جمعیت نیست.^۱

۱۵. حکم اسلام در مورد سقط جنین چیست؟

ج. اسقاط جنین جایز نیست، مگر اینکه در جان مادر در معرض خطر باشد یا بقای جنین منجر به بیماری غیر قابل تحمل مادر شود. که با احراز یکی از این دو امر، اسقاط مانعی ندارد.^۲

۱۶. آیا گذاشتن دستگاه آی. یو. دی (IUD) درون

رحم برای جلوگیری از بارداری جایز است؟

ج. از نظر جلوگیری از حمل با رضایت زن و شوهر مانعی ندارد. ولی اگر مستلزم نظر غیر به عورت زن است

۱. همان، س ۱۷۴۷.

۲. همان، ص ۴۵۹، س ۱۷۵۲.

اشکال دارد، اگر چه دکتری که این کار را انجام می‌دهد زن باشد.^۱

۱۷. با توجه به ماده «۱۴ بند ب» و ماده «۱۶ بند ه» کنوانسیون «محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» که حق تصمیم‌گیری در مورد تعداد فرزندان، فواصل بارداری و تنظیم خانواده را برای زنان مطرح می‌کند، آیا زن بدون رضایت همسرش می‌تواند اقدام به بستن لوله رحم، استفاده از داروها و روش‌های ضد بارداری و تنظیم فواصل بارداری کند؟

ج. این کار جایز نیست، مگر اینکه خطر قابل ملاحظه‌ای سلامت زن را تهدید کند.^۲

۱۸. کاندوم (قرار دادن روکش نازک پلاستیکی در حین مقاربت) از وسایل جلوگیری از حاملگی است، استفاده از آن چگونه است؟ آیا رضایت همسر شرط است؟

^۱. همان، س ۱۷۴۸.

^۲. استفتائات جدیده للمکارم الشیرازی، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۴۲۷ ه.ق، ج ۲، ص ۶۰۹-۶۱۰، س ۱۷۶۳.

ج. استفاده از آن جایز است و رضایت همسر شرط نیست، ولی بدون اجازه او کراهت دارد.^۱

۱۹. آیا مصرف قرص‌های ضد حاملگی جهت پیشگیری از بارداری بلامانع است؟

ج. در صورتی که ضرر قابل ملاحظه‌ای نداشته باشد و همسر راضی باشد، مانعی ندارد.^۲

۲۰. داروهای تزریقی وجود دارد که از طریق عضلانی تزریق می‌شود و برای مدت معینی اثرات ضد حاملگی دارد. حکم استفاده از این مواد جهت جلوگیری از بارداری چیست؟

ج. در صورتی که ضرر قابل ملاحظه‌ای نداشته باشد و همسر راضی باشد، مانعی ندارد.^۳

۲۱. کپسول‌هایی به نام «نورپلانت» وجود دارد که در زیر پوست کاشته می‌شود (بیشتر در قسمت‌های خارجی فوقانی بازو کشت می‌شود) و این یکی از روشهای

۱. همان، ص ۶۱۰، س ۱۷۶۴.

۲. همان، س ۱۷۶۵.

۳. همان، س ۱۷۶۶.

جلوگیری از بارداری است. آیا شرعاً این عمل جایز است؟

ج. مانند جواب سابق است.^۱

۲۲. قرار دادن «نورپلانت» توسط پزشک زن که فقط سطح خارجی بازو را مشاهده می‌کند، چه حکمی دارد؟ آیا در صورت پوشیدن دستکش توسط طبیب و پوشش کامل زن، به جز محلّ عمل (حدود چند سانتیمتر روی بازو)، پزشک مرد می‌تواند به این کار اقدام کند؟

ج. در صورت ضرورت اشکال ندارد.^۲

۲۳. حکم عزل (که مرد هنگام آمیزش، نطفه خود را خارج از رحم بریزد) چیست؟ آیا رضایت زن شرط است؟

ج. اشکال ندارد، ولی مکروه است؛ مگر در مواردی که ضرورتی باشد و رضایت زوجه شرط نیست، مگر در

۱. همان، س ۱۷۶۷.

۲. همان، ص ۶۱۱، س ۱۷۶۸.

آمیزش واجب که در هر چهار ماه واجب است که عزل در آن اشکال دارد.^۱

۲۴. در تعیین موارد اضطرار، در صورتی که پزشکان متخصص زنان و زایمان در مورد حاملگی به خانمی اعلام خطر کنند (خطرات جانی و جسمی و مشکلات احتمالی برای جنین)، آیا کفایت می‌کند؟

ج. هرگاه پزشکان مزبور در کار خود حاذق و از نظر صداقت و تعهد مورد تأییدند، تشخیص آنها در مورد انواع جلوگیری‌هایی که در بالا ذکر شد، کافی است.^۲

۲۵. بستن لوله‌های رحم باعث قطع دائم حاملگی در خانم‌ها می‌شود و در شرایط ایدئال، شانس برگشت با عمل جراحی مجدد حدوداً ۵۰٪ است. این عمل چه حکمی دارد؟

ج. در غیر حال ضرورت، اشکال دارد.^۳

۱. همان، س ۱۷۶۹.

۲. همان، س ۱۷۷۰.

۳. همان، س ۱۷۷۱.

۲۶. جهت بستن لوله‌های رحم، (TL) حین عمل، هیچ الزامی بر مشاهده عورت خانم‌ها وجود ندارد و عمل از طریق شکم صورت می‌گیرد. آیا انجام عمل توسط پزشک زن مانعی ندارد؟ (با توجه به اینکه لمس و نظر در ناحیه شکم صورت می‌گیرد).

ج. از نظر لمس و نظر مشکل نیست.^۱

۲۷. خانمی است که به علت دیگری تحت عمل جراحی قرار گرفته و شکم بیمار باز شده است. با توجه به باز بودن شکم، بستن لوله‌ها چه حکمی دارد؟ آیا باز مسئله لمس و نظر مطرح می‌شود یا خیر؟ در صورتی که پزشک مرد مسئول جراحی مشکل اولیه بیمار باشد، چگونه؟

ج. لمس و نظر باید به مقدار ضرورت باشد و بیش از آن مجاز نیست. علاوه بر آنکه احراز شرایط فوق و رضایت بیمار و همسرش نیز لازم است.^۲

۱. همان، ص ۶۱۱-۶۱۲، س ۱۷۷۲.

۲. همان، ص ۶۱۲، س ۱۷۷۳.

۲۸. در صورتی که شکم زن بیمار توسط دستیار زن باز شود، آیا پزشک مرد می‌تواند با دستکش به عمل بستن لوله‌ها بپردازد، با توجه به اینکه نظر به پوست ظاهر شکم صورت نمی‌گیرد و بیشتر داخل شکم مشاهده می‌گردد؟

ج. تنها در موارد ضرورت جایز است.^۱

۲۹. «IUD» برای جلوگیری از حاملگی در زنان استفاده می‌شود. این وسیله بایستی از طریق مهبل در داخل رحم گذارده شود و غالباً متخصصین زن می‌توانند مبادرت به این کار نمایند. ولی زنان کافی در تمام مراکز بهداشتی - درمانی و یا بیمارستان‌ها برای این کار آموزش داده نشده‌اند. آیا حرام نیست مرد این کار را انجام دهد؟ در صورتی که این کار توسط زن صورت گیرد، آیا مشاهده توسط دانشجویان پزشکی پسر به منظور یادگیری اشکال دارد؟

۱. همان، ۱۷۷۴.

ج. این کار جز در موارد ضرورت جایز نیست و اگر ضرورتی باشد، مادام که دسترسی به جنس موافق است، مراجعه به جنس مخالف جایز نیست.^۱

۳۰. در صورت ضرورت کنترل بارداری در زن و شوهر خاصی، و عدم موفقیت آنها در رعایت مناسب سایر روش‌ها، بستن لوله‌ها چه حکمی دارد؟ آیا از موارد اضطرار است؟

ج. در صورتی که خطری از ناحیه بارداری متوجه مادر باشد مانعی ندارد.^۲

۳۱. آیا جواز شرعی برای وازکتومی (یعنی بستن لوله‌ها) جهت کنترل موالید و جلوگیری از رشد غیرمتعارف جمعیت، عنوان ثانوی داشته و با از بین رفتن ضرورت قابل لغو است؟

ج. در صورتی که ضرورت فردی یا اجتماعی، طبق تشخیص متخصصان مورد اعتماد اقتضا کند مانعی ندارد، در غیر این صورت، جایز نیست.^۱

۱. همان، س ۱۷۷۵.

۲. همان، س ۱۷۷۶.

۳۲. جهت بستن لوله‌های رحمی TI، روش «لاپاراسکوپی» می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (یعنی با برش‌های حدود نیم تا یک سانتیمتری از روی شکم این عمل انجام می‌شود) حکم این روش ذاتاً چیست؟

ج. چنانچه این روش مانند سایر روش‌ها سبب عقیم شدن باشد جایز نیست، مگر در موارد ضرورت.^۲

۳۳. در سؤال فوق با توجه به پوشیده بودن بدن بیمار و فرستادن وسایل «لاپاراسکوپی» از منفذهای نیم تا یک سانتیمتری به داخل شکم بیمار و عدم لزوم لمس و نظر، آیا پزشک مرد می‌تواند به این عمل اقدام کند (با توجه به آماده کردن محیط عمل تا پوشش کامل، توسط خانم‌ها)؟

ج. اگر لمس و نظر لازم نیاید، از این جهت مشکلی نیست.^۳

۱. همان، ص ۶۱۳، س ۱۷۷۷.

۲. همان، س ۱۷۷۸.

۳. همان، س ۱۷۷۹.

۳۴. در کل، با توجه به سؤالات مطروحه، در صورتی که حضرت عالی ارشاد و نظر خاصی دارید، لطفاً جهت استفاده پزشکان بفرمایید.

ج. توصیه حقیر این است که باید در مسئله کنترل موالید، مانند همه مسائل اجتماعی از افراط و تفریط پرهیز کرد و تنها مسائل کوتاه مدت را در نظر بگیرند و به واقعیت توجه کنند، نه شعارها.^۱

به نظر می‌رسد با استفاده از مجموع استفتائات بتوان گفت: پیشگیری از بارداری و استفاده از روش‌ها و وسایل مذکور که در نهایت به آماده شدن زمینه‌های موقت کاهش و کم شدن تعداد جمعیت خانواده و جامعه منجر خواهد شد مانعیتی نداشته، مورد قبول فقهاست و در موارد خاصی که منجر به عقیم شدن مادر یا سقط جنین می‌شود، سلامت مادر و کودک هدف اصلی از منع است، نه توجه به مقوله جمعیت. چنین برداشتی از دیدگاه فقها همان نظریه کنترل جمعیت است.^۲

^۱. همان، س ۱۷۸۰.

^۲. درحالی که به زودی توضیح داده خواهد شد که مراد فقها نظریه اعتدال است.

عمده دلیل موافقان کنترل جمعیت

مخالفان افزایش جمعیت با اعتراف و وفاداری به اصول و مبانی دینی به وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جهان در عصر کنونی نیز توجه نموده، با تمسک به آیات و روایات و بهره‌گیری از ادله شرعی و فقهی درصدد اثبات جواز تحدید نسل، کنترل خانواده و مطلوبیت پیشگیری از افزایش نسل‌ها از دیدگاه دینی هستند. نظریات موافق کنترل جمعیت چه در میان شیعه و چه در میان اهل سنت سمت و سوی واحدی دارند، هرچند در مقام استناد به ادله شرعی با هم تفاوت داشته باشند.

الف. آیات

از مجموعه آیاتی که مستند موافقان کنترل جمعیت قرار گرفته، چند آیه شماره می‌شود:

۱. هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً؛ در آنجا بود که زکریا، [با مشاهده آن‌همه شایستگی در مریم] پروردگار خویش را خواند و عرض کرد: خداوند! از طرف خود، فرزند پاکیزه‌ای [نیز] به من عطا فرما، که تو دعا را می‌شنوی (آل عمران: ۳۸).

جارالله زمخشری در تفسیر این آیه شریفه می‌نویسد:

مریم به عبادت ایستاده بود و حضرت ذکریا به حال عرفانی و معنوی و کرامت الهی مریم توجه داشت. این حالت در ذکریا رغبت داشتن فرزندی مثل او را ایجاد کرد که ویژگی‌ها و کرامت‌های او را دارا باشد؛ هرچند از نظر جسمی و زادوولد عقیم بودند که خداوند این کرامت را در حق آنها جاری ساخت و حضرت یحیی را به آنها داد.^۱

شاهد استدلال در این آیه عبارت «ذریه طیبه» است که دلالت بر قلت و مفرد دارد نه جمع و کثرت. نتیجه اینکه همیشه افراد کم دارای این ویژگی‌ها خواهند بود نه افراد زیاد.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «طیب هر چیز آن فردی است که برای چیز دیگر سازگار و در برآمدن حاجت آن دخیل و مؤثر باشد، مثلاً شهر طیب آن شهری است که برای زندگی اهلس سازگار و دارای آب و هوایی ملایم و رزقی پاکیزه باشد، و کار و کسب و سایر خواسته‌ها برای اهلس هم فراهم باشد که خدای تعالی در

۱. تفسیر کشاف، زمخشری، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۵۹.

بارہ چنین شهری می فرماید: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ» و سرزمین پاکیزه گیاهش به فرمان پروردگار می روید (اعراف: ۵۸) همچنین، عیش طیب و حیات طیب آن عیش و حیاتی است که ابعاد و شئون مختلفش با هم سازگار باشد، به طوری که دل صاحب آن عیش به زندگی گرم و بدون نگرانی باشد، و یکی از مشتقات کلمه «طیب» بر وزن سیب است که به معنای عطر پاکیزه است، پس ذریه طیبیه آن فرزند صالحی است که مثلاً صفات و افعالش با آرزویی که پدرش از یک فرزند داشت مطابق باشد. پس انگیزه زکریا از اینکه گفت: «رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً» این بود که در این درخواست کرامتی بود که از خدای تعالی درباره خصوص مریم مشاهده کرد، کرامتی که دلش را از امید پر کرده و اختیار را از دستش ربود و وادارش ساخت که چنین درخواست عظیم و کرامت مهمی را بکند. لذا، باید گفت: منظورش از ذریه

طیبه فرزندی بوده که نزد خدا کرامتی شبیه به کرامت مریم و شخصیتی چون او داشته باشد.^۱

بنابراین کلمه ذریه طیبه دلالت بر وجود افرادی از اولادی دارد که مایه خوشدلی و رضایت و طیب خاطر پدر و مادر باشند، فرزندانی صالح که دارای صفات و افعال پسندیده و خوب هستند. بی شک، داشتن فرزند صالح، آرزو و مایه اطمینان خاطر هر خانواده است و این آرزو در خانواده کم جمعیت و تربیت یافته تحقق می یابد، نه در خانواده ای با فرزندان بسیار که مورد تربیت و توجه قرار نگرفته اند.

بررسی: در آیات قرآنی مشاهده می شود که انبیا و اولیای الهی در مقام طلب فرزند همواره فرزندانی صالح و خانواده ای پاک را طلب می کنند، چنان که از زبان زکریای نبی بیان شد. طلب هر کس به قدر همت خویش است و فرزند صالح آرزویی است که بلندهمتان از درگاه الهی طلب می کنند. این آیه درسی است برای متدینان که تنها

۱. تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۷۵.

در پی فرزند نباشند بلکه هم برای رسیدن به فرزند صالح دعا کنند و هم برای نیل به آن تلاش و برنامه‌ریزی نمایند. بی‌شک، تربیت برنامه‌ریزی‌شده خواهان فاصله زمانی مناسب بین فرزندان است.^۱

۲. وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ؛ و کسانی که گویند پروردگارا ما را از همسران و فرزندانمان، مایه روشنی چشم ما قرار ده. (فرقان: ۷۴)

استدلال به آیه شریفه از چند جهت می‌تواند دلالت بر قلت جمعیت را برساند اول اینکه اعین صیغه جمع قله است و جمع قله در علم صرف دلالت بر افراد یعنی فرد فرد دارد نه بر کثرت به خلاف عیون، و دوم اینکه کلمه متقین است که رسیدن به مقام تقوا و طی مدارج ایمان و عمل، کار هر کسی نیست و افراد باتقوا نسبت به بی‌تقوا از نظر کمی در اقلیت‌اند و افراد با تقوا مایه چشم‌روشنی و سرور و رضایت و شادمانی پدر و مادرند

^۱. از این آیه پاسخ داده شد که در موارد بسیاری انبیای الهی از خداوند ذریه صالح و طیب را طلب می‌کنند که همه شواهدی قوی بر مطلوبیت ذاتی فرزندآوری و کثرت جمعیت است.

نه افراد بی تقوا و دعای حضرت ذکریا در طلب فرزندی
باتقواست.^۱

در تفسیر نمونه ذیل این آیه آمده است:

یازدهمین ویژگی مؤمنان راستین آن است که توجه
خاصی به تربیت فرزند و خانواده خویش دارند و
برای خود در برابر آنها مسئولیت فوق العاده‌ای قائلند.
«آنها پیوسته از درگاه خدا می‌خواهند و می‌گویند
پروردگارا از همسران و فرزندان ما کسانی قرار ده که
مایه روشنی چشم ما گردد»!^۲

نتیجه آنکه واژه‌های «هب لنا» و «قرة اعین» در آیه
شریفه که مورد درخواست مؤمنان است دلالت دارد بر
فرزندان خاص و محدود و «قرة اعین» کنایه از کسی است
که مایه سرور و خوشحالی است و فرزندانی مایه سرور و
اطمینان خاطر پدر و مادرند که پدر و مادر از عهده تربیت
و هدایت و مسئولیتی که نسبت به آنها دارند به نحو

^۱ ر.ک: تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۲۹۶.

^۲ تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۶۷.

احسن برآیند و این از مسائلی است که قرآن روی آن تکیه کرده است.

بررسی: با توجه به این آیه، کثرت اولادی که والدین از عهده تربیت و هدایت آنها برنیایند مطلوب و مایه چشم‌روشنی پدر و مادر نخواهد بود بلکه مایه کوری چشم و دل است، زیرا کارها و صفاتشان مورد پسند پدر و مادر نخواهد بود.

۳. وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَ مَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ؛ و گفتند: اموال و اولاد ما [از همه] بیشتر است [و این نشانه علاقه خدا به ماست] و ما هرگز مجازات نخواهیم شد. (سبأ: ۳۵)^۱ زمخشری در تفسیر این آیه می‌نویسد:

اینکه صاحبان اموال و اولاد گمان می‌کنند آنقدر نزد خدا صاحب کرامت‌اند که مستحق عذاب الهی نخواهند بود و حال آنکه این گمان باطل آنهاست نسبت به کثرت اموال و اولاد. اولاد و اموالی که توأم با ایمان به خدا نباشد و صاحبش مؤمن نیست، مصداق عمل صالح نخواهد بود و نعمت و عذاب

^۱. نیز ر. ک: توبه: ۶۹ و قصص: ۷۸.

اوست و کثرت اولاد نیز موجب قرب آنها و نجات آنها نخواهد شد مگر فرزندانی که اهل خیر و صلاح و مؤمن و متدین باشند و گرایش به اعمال صالح و اطاعت الهی دارند. تک تک این کلمات دلالت دارد بر اثبات مطلب که کثرت اولادی صلاحیت اصلاح شدن دارند مطلوب و مرضی خانواده و جامعه نخواهد بود.^۱

۴. اَعْلَمُوا أَنَّهَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ... وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ؛ بدانید که زندگی دنیا بازیچه و لهو و زینت و تفاخر بین شما و تکاثر در اموال و اولاد است مثل آن بارانی است که کفار از روییدن گیاهانش به شگفت درآیند، ... و زندگی دنیا جز متاعی فریبنده نمی باشد. (حدید: ۲۰)

۵. فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَ لَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ تَرْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَ هُمْ كَافِرُونَ؛ و [فزونى] اموال و اولاد آنها تو را در شگفتی فرونبرد، خدا

^۱. تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۵۸۵-۵۸۶.

می‌خواهد آنها را به وسیله آن در زندگی دنیا عذاب کند و در حال کفر بمیرند. (توبه: ۵۵)

در تفسیر نمونه آمده است:

بسیاری اموال و فرزندان منافقین نباید تو را در شگفتی فروبرد و فکر نکنی که آنها با اینکه منافق‌اند، چگونه مشمول این همه مواهب الهی واقع شده‌اند، چراکه این امکانات به ظاهر برای آنان نعمت است اما در حقیقت نعمت است. خداوند می‌خواهد به این وسیله آنان را در زندگی دنیا معذب کند. این‌گونه افراد معمولاً فرزندانی ناصالح و اموالی بی‌برکت دارند که مایه درد و رنجشان در زندگی دنیا است و شب و روز باید برای فرزندانی که مایه ننگ و ناراحتی هستند تلاش کنند و برای اموالی که از طریق گناه به دست آورده‌اند جان بکنند و این حالت نوعی عذاب دنیوی است و به خاطر دل‌بستگی فوق‌العاده به این امور درهای کفر و بی‌ایمانی می‌میرند.^۱

صاحب‌المیزان در تفسیر این آیه می‌نویسد:

خدای تعالی در این آیه پیغمبر گرامی‌اش را از اینکه شیفته اموال و اولاد منافقان گردد نهی می‌کند.

۱. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۴۴۹.

البته، از سیاق آیه برمی‌آید که مقصود شیفتگی در برابر کثرت اولاد و اموال ایشان است. آنگاه این معنا را چنین تعلیل می‌کند که این اموال و اولاد - که قهراً انسان را به خود مشغول می‌کند - نعمتی نیست که مایهٔ سعادت آنان گردد، بلکه نعمتی است که ایشان را به شقاوت می‌کشاند، چون خداوندی که این نعمت‌ها را به ایشان داده، مقصودش این بوده که ایشان را در زندگی دنیا عذاب نموده، جان آنان را در حال کفر بگیرد.^۱

آن بزرگوار در جای دیگری می‌نویسد:

و اما کسی که به دنیا مشغول شده، زینت‌های دنیوی و مادی او را مجذوب کرده، اموال و فرزندان او را شیفته، آمال و آرزوهای کاذب، او را فریب داده و شیطان از خود بی‌خبرش کرده باشد، او در تناقض‌های قوای بدنی و تراحم‌هایی که بر سر لذایذ مادی درگیر می‌شود، قرار گرفته، و با همان چیزهایی که آنها را مایهٔ سعادت خود خیال می‌کرد به شدیدترین عذاب‌ها دچار می‌شود. آری، این خود حقیقتی است که همه به چشم خود می‌بینیم که هر

۱. المیزان، ج ۹، ص ۳۰۸-۳۰۹.

چه دنیا بیشتر به کسی روی بیاورد و از فراوانی مال و اولاد بیشتر برخوردار شود، به همان اندازه از موقف عبودیت دورتر و به هلاکت و عذاب‌های روحی نزدیک‌تر می‌شود، و همواره در میان لذایذ مادی و شکنجه‌های روحی غوطه می‌خورد. و آن چیزی که این طایفه غفلت‌زده خوشی و فراخی‌اش می‌خوانند در حقیقت تنگی و ناگواری است.^۱

بررسی: طبق این آیات شریفه کثرت اموال و کثرت اولاد همه جا مطلوب نیست. کثرت جمعیت گاه زمینه فتنه و امتحان الهی قرار می‌گیرد (تغابن: ۱۵) و چه بسا موجب غرّه شدن پدر و مادر گردد (حدید: ۲۰). پیام الهی آن است که آنچه مایه سعادت است فرزند صالحی است که نام نیک والدین را زنده نگه دارد.

۶. يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ؛ و روزی رسد که هر کس از برادرش هم فرار می‌کند، و از مادر و پدرش، و از همسر و فرزندانش. (عبس: ۳۴-۳۶)

^۱. المیزان، ج ۹، ص ۳۰۹.

به این ترتیب، انسان نزدیک‌ترین نزدیکانش را که برادر و پدر و مادر و همسر و فرزند هستند. نه فقط فراموش می‌نماید بلکه از آنها فرار می‌کند و انسان از تمام پیوندها و علائقش جدا می‌گردد؛ مادری که به او عشق می‌ورزید، پدری که سخت مورد احترام او بود، همسری که شدیداً به وی محبت داشت و فرزندی که میوه قلب و نور چشمان او به حساب می‌آمدند، اگر راه ایمان و تقوا و اطاعت خدا را نپیموده‌اند، باید از آنها گریخت تا مبادا به سرنوشتشان گرفتار شود.

بررسی: با علم به اینکه هر چه زمان به قیامت نزدیک‌تر می‌شود بشر تحت تأثیر امکانات صنعتی و تکنولوژی جامعه مدرن بیشتر در معرض سوق به سمت بی‌دینی، ضلالت و انحرافات است و گل وجود فرزند مراقبت بیشتری را در مقابل طوفان حوادث طلب می‌کند، چه توجیهی در اصرار و تأکید کثرت موالید وجود دارد؟

۷. **وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛** و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده (پدر)، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته [در مدت شیر دادن بپردازد، حتی اگر طلاق گرفته باشد]. (بقره: ۲۳۳)

بررسی: این آیه به احتمال، کنترل خانواده را می‌رساند، زیرا کثرت اولاد رزق و کسوت متعارف را اغلب برای آنان ناممکن می‌سازد. بنابراین، تأمین خانواده در حد رفاه از دلایل قطعی تحدید نسل است.

ب. روایات

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): اللَّهُمَّ مَنْ أَحْبَبَنِي فَأَرْزُقْهُ الْكَفَافَ وَ الْعَفَافَ وَ مَنْ أَبْغَضَنِي فَأَكْثِرْ مَالَهُ وَ وَلَدَهُ؛^۱ رسول اکرم ﷺ فرمود: خداوندا! دوستان مرا پاکدامنی و خودکفایی [و داشتن به اندازه نیاز] روزی کن و مال و فرزندان دشمنان مرا افزون گردان.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): اللَّهُمَّ ارْزُقْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ مَنْ أَحَبَّ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ الْعَفَافَ وَ الْكَفَافَ وَ ارْزُقْ مَنْ أَبْغَضَ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ الْمَالَ وَ الْوَلَدَ؛^۲ رسول اکرم ﷺ فرمود: پروردگارا! به محمد و آل محمد و دوستداران ایشان پاکدامنی [و دوری از شهوات] و بسندگی [در

۱. بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۶۴.

۲. همان، ص ۶۰.

زندگی] ببخش و مال و فرزندان دشمنان محمد و آل محمد را زیاد کن.

۳. به روایت امام سجاد علیه السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از کنار شتربانی گذشت کسی را فرستاد و از او شیر خواست شتربان گفت: آنچه در پستان این شتران است نوشیدنی چاشتگاه قبیله است و آنچه در ظرف‌هاست نوشیدنی شامگاه آنان است [و چیزی نداد]. در این هنگام، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوندا! مال و فرزندان این شتربان را زیاد گردان. سپس بر شبنانی گذشت کسی را فرستاد و از او شیر خواست شبنان آنچه را در پستان گوسفندان بود برای پیامبر دوشید و تمام آنچه در ظرف خود داشت در جام پیامبر ریخت و گوسفندی [نیز] نزد آن حضرت فرستاد و گفت: آنچه اکنون نزد ما بود همین بود. اگر بیشتر بخواهید بیشتر بدهیم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوندا! به اندازه کفاف (که او را بس باشد) به او روزی ده. در این هنگام برخی از یاران پیامبر گفتند: ای رسول خدا! درباره کسی که تو را پاسخ نداد دعایی کردی که همه ما آن را دوست می‌داریم و برای آنکه نیاز تو را برآورد [و هرچه داشت داد] دعایی کردی که همه ما آن را ناخوش داریم؟

پیامبر ﷺ فرمود: آنچه کم است و بسنده بهتر است از آنچه زیاد است و بازدارنده. خداوندا به محمد و آل محمد به اندازه کفایت روزی کن.^۱

۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ؛^۲ رسول اکرم ﷺ فرمود: نان‌خور کم، خیال آسوده (کمی افراد نان‌خور یکی از وسیله توانگری است).^۳

^۱. همان، ص ۶۱.

^۲. همان، ج ۷۴، ص ۱۲۱. نیز همین روایت از امام علی علیه السلام روایت شده است. (نهج البلاغه در شرح ابن ابی الحدید، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۳۳۹.

^۳. در استناد به این روایت نظر مخالف هم وجود دارد؛ از جمله اینکه صاحب رساله نکاحیه مرحوم علامه سید محمد حسین حسینی طهرانی (قدس سره) در پاسخ به استدلال به روایت قَلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ، می‌نویسد: «این شده است که بعضی از غیرمطلوعین برای رجحان کاهش فرزند استدلال کرده‌اند به روایت نهج البلاغه و ندانسته‌اند که عیال در لغت به معنا فرزند نیست. چه بسا فرزندان که نان‌خور انسان نیستند و چه بسا عائله‌ای که فرزند نمی‌باشند. عیال به معنای نان‌خور و تحت عیلوله و مخارج انسان درآمدن است مانند خادم و خادمه و شاگردان کسب و غلام و کنیز و میهمانان وارد بر انسان و تکفل مخارج بسیاری از اقوام و محارم و زوجه و امثالها که تحت مخارج و عیلوله انسان زیست می‌کنند. بنابراین نسبت میان عیال و اولاد نسبت عموم و خصوص من وجه است و منافات ندارد که ترغیب به کثرت فرزندان شده باشد، با وجود این توصیه شده باشد که هر چه انسان بتواند افراد تحت عیلوله خویش را تقلیل کند. یک گونه توانایی و توانگری را

۵. إِنْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَقُولُ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ وَالْعَجْزِ وَ... وَضَلَعِ الدِّينِ وَ... وَالْعَيْلَةِ؛^۱ امام صادق علیه السلام روایت می کند که رسول اکرم ﷺ هر روز صبح قبل از طلوع فجر دعا می کرد: خداوند! من از غم و اندوه و درماندگی و ... و سنگینی دین و ... و عیالواری به تو پناه می برم.

۶. نَهَى ﷺ عَنْ التَّبَقُّرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ؛^۲ رسول اکرم ﷺ نهی فرمود از خواستن مال زیاد و داشتن خانوار زیاد.

۷. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا أَبَا ذَرٍّ إِنِّي قَدْ دَعَوْتُ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاهُ أَنْ يَجْعَلَ رِزْقَ مَنْ يُحِبُّنِي الْكَفَافَ وَأَنْ يُعْطِيَ مَنْ

حایز گردید این از یک ناحیه. و از ناحیه دیگر در جمله أَخَذُ الْبُسَارَيْنِ ترغیبی و تحریمی به آن نیست بلکه توانگری برای انسان از دو راه تحصیل می شود یکی از راه کسب حلال و صرف آن بر عائله کثیره و دیگری حصه عائله در قلت با وجود قلت مال. هر کدام را می خواهی انتخاب کن. (رساله نکاحیه، حسینی طهرانی، ص ۳۳۸)

^۱. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۳۵.

^۲ معانی الاخبار، شیخ صدوق، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ش، ص ۲۸۰.

يُبْعِضُنِي كَثْرَةُ الْمَالِ وَالْوَلَدِ؛^۱ رسول اکرم ﷺ فرمود: ای اباذرا! من از خداوند بزرگ خواستم که معیشت دوستانم را به اندازه کفایت قرار دهد و به دشمنانم مال بسیار و فرزندان زیاد بدهد.

۸. عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ ثَلَاثٌ مِنْ أَعْظَمِ الْبَلَاءِ كَثْرَةُ الْعَائِلَةِ وَ غَلْبَةُ الدِّينِ وَ دَوَامُ الْمَرَضِ؛^۲ امام علی علیه السلام فرمود: سه چیز از بزرگ‌ترین بلاهاست: زیادی افراد خانواده و بدهکاری سنگین و بیماری مزمن.

۹. وَ سُئِلَ عَنِ الْخَيْرِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْسَ الْخَيْرُ أَنْ يَكْثَرَ مَالُكَ وَ وَلَدُكَ وَ لَكِنَّ الْخَيْرَ أَنْ يَكْثَرَ عِلْمُكَ وَ يَعْظُمَ حِلْمُكَ وَ ...؛^۳ از امام علی علیه السلام سؤال شد: خیر [انسان در] چیست؟ فرمود: خیر دیدن [و نیکی] آن نیست که ثروت و فرزندان

۱. مستدرک الوسائل، محدث نوری، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵،

ص ۲۳۰.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۳۸۸.

۳. همان، ج ۱۲، ص ۱۲۱.

بسیار شود بلکه خیر دیدن آن است که دانشت فراوان گردد و بردباری ات بسیار و

۱۰. لَا بَأْسَ بِالْعَزْلِ عَنِ الْمَرْأَةِ؛^۱ امام باقر علیه السلام فرمود:

جلوگیری [از فرزنددار شدن] اشکالی ندارد.

۱۱. علامه مجلسی در کتاب بحار/الانوار عنوانی این

چنین آورده است فضل التوسعة على العیال و مدح قلة

العیال یعنی فضیلت در تأمین رفاه خانواده و ستایش کم

کردن افراد خانوار و محدود کردن فرزندان.^۲

بررسی: در این احادیث که تنها بخشی از آنها ذکر شد،

رشد کمی و غیرمسئولانه جمعیت نکوهش شده است.

افزایش کمی جمعیت راه سعادت را نمی‌گشاید و خیر به

صرف زیاد شدن فرزند نیست. در این نگاه کسب قدرت،

آسایش و رفاه با تکیه بر فزون‌سازی جمعیت بدون تدبیر

معیشت، جز خیالی باطل و پوچ بیش نیست که «أ

۱. الکافی، کلینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش، ج ۵، ص ۵۰۶. به همین

مضمون چند روایت در همین باب از کافی آمده است.

۲. بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۶۹.

يَحْسِبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَنِينَ نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ»^۱ به نظر می‌رسد که باید اندرزه‌ها و هشدارهای ناشی از بحران جمعیت را به گوش جان گرفت و از بالا رفتن و صعود آسان به مکانی که فرود آمدن از آن دشوار و خطرناک است، پرهیز نمود.^۲

۲. نظریه مخالفان کنترل جمعیت

صاحبان این نظریه محدود کردن تولد به تعدادی خاص را مخالفت آشکار با بیانات دینی، طرحی از سوی کفار برای تسلط بر مسلمانان و ضربه‌ای سهمگین بر پیکره جامعه اسلامی، نقض غرض ازدواج و مانع از به کمال رسیدن زن می‌دانند. در دفاع از این نظریه ادله‌ای مطرح شده است؛ از جمله:

الف. آیات

۱. آیا این مردم کافر می‌پندارند از آنچه ما به آنها مدد رسانیدیم از مال و فرزندان که ما در رساندن خیر به آنان شتاب کردیم؟ نه، بلکه نمی‌فهمند. (مؤمنون: ۵۵-۵۶)

۲. اشاره به روایت امام صادق(ع) که فرمود: «إِيَّاكَ وَ مُرْتَقَى جَبَلٍ سَهْلٍ إِذَا كَانَ الْمُتَحَدَّرُ وَغَرًّا». (بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۵۰؛ تحف العقول، حسن بن شعبه حرانی، قم، جامعه مدرسين، ۱۴۰۴ق، ص ۳۶۷)

۱. نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ؛ زنان شما

کشتزار شمايند از هر طرف خواستيد به کشتزار خود
درآييد. (بقره: ۲۲۳)

۲. وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ
أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَلَا فَبِالْبَاطِلِ
يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ؛ خدا برای شما از جنس
خودتان همسرانی قرار داد و برای شما از همسرانتان
فرزندان و نوادگان پدید آورد و چیزهای پاکیزه روزیتان
کرد. آیا (کافران) باطل را باور دارند و هم آنها نعمت خدا
را انکار می کنند. (نحل: ۷۲)

تشکیل خانواده به عنوان هسته اصلی جامعه بشری،
ضرورتی حیاتی است.^۱ که در راستای خلقت و هماهنگ
با سرشت جامعه گرایی انسان است و انسان در نخستین
گام های زندگی اجتماعی و با نیازهای اصیل تر و طبیعی تر
به طرف جنس مخالف تمایل می یابد و او را نخستین
همراه و یاور زندگی می گیرد و در کنار او احساس دیگر-

۱. الحیاه، محمدرضا حکیمی، ج ۸، ص ۴۰۵.

خواهی را ارضا می‌کند و به انس و الفت می‌پردازد و از این راه کانون‌های اصلی تشکیل جامعه را پایه‌ریزی می‌کند. همچنین به نیاز طبیعی دیگر خویش، یعنی تولید مثل و نسل می‌پردازد و از این رهگذر به حیات خویش به‌گونه‌ای تداوم می‌بخشد.

۳. وَ اذْكُرُوا اِذْ كُنْتُمْ قَلِيلاً فَكَثَرَكُمْ؛ زمانی را به یاد آرید

که اندک بودید، و خدا بسیارتان کرد. (اعراف: ۸۶)

ترتیب ذکر نعمت فرزند بر نعمت ازدواج نشانگر مطلوبیت ازدیاد نسل است که به سبب همین امر که احتیاجات اجتماع بشری و تعاون انسانها برآورده می‌شود.^۱

۱. شاید بتوان استدلال به این آیات در جهت ترغیت به افزایش جمعیت را این‌گونه نقد کرد که اگر گرایش‌های جنسی که یکی از نیازهای اصلی در تشکیل خانواده است تمام هدف شود و غرض از تشکیل خانواده تنها ارضای جنسی منظور باشد، معلوم است چه پیامدهایی به همراه دارد؛ تزلزل خانواده، سقوط ارزش‌های والای انسانی و معنوی، لغزش اعتقادی و تیرگی روابط بین زن و شوهر و مادی و شهوی شدن روابط. اگر روابط زندگی تنها به پایه مسائل جنسی نهاده شود موضوع فرزندان و بقای نسل نیز دچار مخاطره می‌گردد و لذت‌جویان جنسی با مشکلات فرزندداری تن نمی‌دهند یا اگر تن بدهند به مسائل تربیتی آنان نمی‌اندیشند. در این چنین خانواده‌ای فرزندان چگونه پرورش خواهند یافت و چسان درس زندگی خواهند

۴. اَلْمَالُ وَ اَلْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اَلْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ اَمَلًا؛ مال و فرزندان زیور زندگی این دنیا است و کارهای شایسته نزد پروردگارت ماندنی و دارای پاداشی بهتر و امید آن بیشتر است. (کهف: ۴۶)

ثروت و فرزندان دو رکن اساسی زندگی دنیا و زینت زندگی انسان‌اند. در این آیه خداوند به موقعیت مال و ثروت و نیروی انسانی دو رکن حیات دنیوی اشاره فرمود؛ زیرا سایر نیروها اعم از منابع توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی، وابسته به نیروی انسانی خلاق، فعال و مدیر است.^۱

آموخت؟ سرنوشت فرزندانی که در این بحران‌ها مانده‌اند برای اجتماعات بشری چه مشکلاتی را پدید خواهند آورد؟ اینجاست که اساس کار که تربیت است به صورت گرهی ناگشودنی باقی می‌ماند و کل جامعه بشری از این وضعیت آسیب‌های جدی می‌بیند. دچار نشدن به چنین عواقبی چه توجیه عقلانی جز کنترل و تنظیم خانواده دارد؟

۱. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۴۴۵. علامه طباطبایی این استدلال را به نفع موافقان کنترل جمعیت تفسیر می‌کند: این آیه به منزله نتیجه‌گیری از مثلی است که در آیه قبل آورد، و حاصلش این است که: هر چند دل‌های بشر علاقه به مال و فرزند دارد و همه، مشتاق و متمایل به سوی آنند و انتظار

۵. وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ؛ وَ
 فرزندان خویش را از بیم فقر مکشید که ما شما و ایشان
 را روزی می دهیم. (انعام: ۱۵۱)
 وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ
 قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا؛ وَ فرزندان خود را از ترس فقر

انتفاع از آن را دارند و آرزوهایشان بر اساس آن دور می زند اما زیتی
 زودگذر و فریبده هستند که منافع و خیراتی که از آنها انتظار می رود را
 ندارند، و همه آرزوهایی را که آدمی از آنها دارد برآورده نمی سازند بلکه صد
 یک آن را واجد نیستند. پس در این آیه شریفه به طوری که ملاحظه
 می فرمایید انعطافی به آغاز کلام یعنی آیه شریفه «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ
 زِينَةً لَهَا» و آیه بعدی اش وجود دارد. و مراد از «بَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتِ» در جمله
 «وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا» اعمال صالح است؛
 زیرا اعمال انسان، برای انسان نزد خدا محفوظ است و این را نص صریح
 قرآن فرموده. پس اعمال آدمی برای آدمی باقی می ماند. اگر آن صالح باشد
 «بَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتِ» خواهد بود، و اینگونه اعمال نزد خدا ثواب بهتری دارد،
 چون خدای تعالی در قبال آن به هر کس که آن را انجام دهد جزای خیر
 می دهد. و نیز نزد خدا بهترین آرزو را متضمن است، چون آنچه از رحمت و
 کرامت خدا در برابر آن عمل انتظار می رود و آن ثواب و اجری که از آن
 توقع دارند بودن کم و کاست و بلکه صد در صد به آدمی می رسد. پس این
 گونه کارها، از زینت های دنیوی و زخارف زودگذر آن که برآورنده یک
 درصد آرزوها نیست، آرزوهای انسان را به نحو احسن برآورده می سازند.
 (المیزان، ج ۱۳، ص ۳۱۸-۳۱۹)

مکشید، ما آنان را و خود شما را روزی می‌دهیم، و کشتن آنان خطایی بزرگ است. (اسراء: ۳۱)

مسئله نهی از سقط جنین و فرزندکشی با عبارات مختلف در قرآن کریم مکرر آمده است و قرآن از این عمل شنیع که هم مصداق قتل نفس و هم از زشت‌ترین مصادیق شقاوت و سنگدلی شمرده می‌شود، به شدت پرهیز داده است.

احترام به خون انسان‌ها و حرمت شدید قتل نفس حکمی است که همه شرایع آسمان و قوانین بشری در آن متفق‌اند و البته اسلام اهمیت بیشتری به این مسئله داده تا آنجا که قتل یک انسان را مانند کشتن همه انسانها شمرده است؛ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا. (مائده: ۳۲) نه تنها قتل نفس بلکه کمترین و کوچکترین آزار یک انسان از نظر اسلام مجازات دارد، و می‌توان با اطمینان گفت این همه احترام که اسلام برای خون و جان و حیثیت انسان قایل شده

است در هیچ آیینی وجود ندارد.^۱ از سویی دیگر قتل فرزندان گناهی بزرگ است که قدیم در میان انسانها شناخته شده و زشتی آن در اعماق فطرت جای دارد. لذا، مخصوص عصر و زمانی نیست.

در آیه ۱۵۱ سوره انعام نکاتی از این دست قابل توجه است:

املاق به معنای فقر و نداری است از ریشه مَلَقَ چون فقیر اهل تملق می‌شود. یعنی قتل فرزند به خاطر ترس از گرسنگی. از این آیات برمی‌آید که عرب‌های دوران جاهلی نه تنها دختران خویش را به خاطر تعصب‌های غلط زنده به گور می‌کردند بلکه پسران خود را که سرمایه بزرگی در جامعه آن روز به حساب می‌آمد نیز از ترس فقر و تنگدستی به قتل می‌رساندند. خداوند آنها را در این آیه به خوان گسترده نعمت پروردگار که ضعیف‌ترین موجودات نیز از آن روزی می‌برند توجه داده است و از قتل اولاد باز می‌دارد. با نهایت تأسف این عمل جاهلی در

۱. نمونه، ج ۱۲، ص ۱۰۵، ۱۰۰، ۹۹.

عصر و زمان ما در شکل دیگری تکرار می‌شود و به عنوان کمبود احتمالی مواد غذایی روی زمین کودکان بی‌گناه در عالم جنین از طریق کورتاژ به قتل می‌رسند. گرچه امروز برای سقط جنین دلایل بی‌اساس دیگری نیز ذکر می‌کنند، ولی مسئله فقر و کمبود مواد غذایی یکی از دلایل عمده آن است.^۱

خداوند اول اولاد را بیمه می‌کند سپس، خود انسان را: نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ. (انعام: ۱۵۱). کودک حق حیات دارد و پدر و مادر نباید این حق را از او بگیرد. لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ (انعام: ۱۵۱) خداوند از والدین مهربانتر است به او سوءظن نبرید که نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ رزق به دست خداست و در این امر زیادی نفرات و جمعیت بی‌اثر است. پس فرزند عامل فقر نیست؛ بلکه گاهی رزق و روزی ما در سایه روزی فرزندان است.^۲

۱. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۳۴.

۲. رک: تفسیر نور، قرائتی، ج ۷، ص ۵۲.

از این آیه شریفه به دست می‌آید نباید به سبب ترس از ذلت، گدا شدن یا به جهت دیگر مانند ریختن آبرو، به داماد ناجور گرفتار شدن به سقط جنین یا اجتناب از باروری تن داد و گوش به نغمه های شیطان صفتان غربی و غرب زده سپرد.

در آیه ۳۱ سوره اسراء نکاتی از این دست قابل توجه است:

از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که وضع اقتصادی اعراب جاهلی رو به بحران می‌نمود تا آنجا که برخی فرزندان دلبند خود را از ترس عدم توانایی اقتصادی به قتل می‌رساندند. تعبیر «خَشِيَّةٌ إِمْلَاقٍ» اشاره لطیفی به این پندار شیطانی است؛ در واقع می‌گوید این تنها یک ترس است که شما را به این خیانت بزرگ تشویق می‌کند نه یک واقعیت؛ چراکه روزی دهنده واقعی خداوند است نه پدر و مادر، و خداوند متعال اعلام می‌کند که این پندار شیطان را از سر به در کنید و به تلاش و کوشش هرچه بیشتر برخیزید خدا هم کمک کرده، زندگیتان را اداره می‌کند.

قابل توجه اینکه ما از این جنایت زشت و ننگین وحشت می‌کنیم در حالی که همین جنایت در شکل دیگری

در عصر ما و حتی به اصطلاح در مرفقی ترین جوامع انجام می‌گیرد و آن اقدام به ترک ازدواج، طلاق دادن، مانع از بچه‌داری سقط جنین در مقیاس بسیار وسیع به خاطر جلوگیری از افزایش جمعیت و کمبودهای اقتصادی است. آنچه از این آیه به دست می‌آید این است:

اولاً قتل نفس محترمه در هر عصر و زمان توسط هر کس یک عمل ناپسند و زشت است و از نظر دین گناه بزرگ و محسوب می‌شود. انگیزه قتل هرچه باشد چه مسائل اقتصادی، ناداری، فقر و تنگدستی یا ترس از عائله‌مند شدن یا دختر بودن فرزند یا عصیت و ناموس‌پرستی هیچ یک مجوز برای ارتکاب قتل نیست و اینها پندارهایی شیطنانی است.

ثانیاً احترام خون انسانها و حرمت قتل نفس از وسائلی است که شرایع به آن پایبند هستند و آن را از گناهان می‌شمرند و حتی کشتن یک نفر را کشتن همه انسانها می‌دانند مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا. (مائده: ۳۲)

ثالثاً حکم مجازات چنین عملی را خلود در آتش و دوزخ دانسته‌اند وَ مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا. (نساء: ۹۳)^۱

تمام این جملات حاکی از این است که اسلام با نسل-کشی و تحدید نسل و کاهش جمعیت مسلمین کاملاً مخالف بوده، در هر عصر و زمان و توسط هر کس انجام گرفت محکوم به حکم جاهلیت است.

۶. فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ؛ و با زنان پاک (دیگر) ازدواج کنید. (نساء: ۳)

مرحوم طبرسی در ذیل آیه استنباط کرده که مستفاد کثرت عیال است و ترغیب بر ازدواج و عدم محدودیت افراد در این امر عظیم و مقدس و صدها نکته اخلاقی، رفتاری، اجتماعی، که نصیب جامعه اسلامی می‌گردد.^۲

۷. لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنِثَاءً وَ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَاناً وَ إِنِثَاءً

۱. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۰۷.

۲. مجمع‌البیان، طبرسی، ج ۳، ص ۶.

وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ؛ ملک آسمان‌ها و زمین از خداست، هر چه می‌خواهد خلق می‌کند، به هر کس بخواهد دختر و به هر کس بخواهد پسر می‌دهد. یا هم پسرانی می‌دهد و هم دخترانی، و هر که را بخواهد عقیم می‌کند که او دانایی توانا است. (شوری: ۴۹)

آنچه از این آیه به دست می‌آید نظر به این دارد که فرزندان هدایای الهی اند. در این آیه مردم را به چهار گروه تقسیم کرده جوری که احدی قدرت انتخاب در این مسئله را ندارد.^۱

۸. قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ؛ به راستی کسانی که فرزندان خویش را از کم خردی و بی‌دانشی کشتند زیانبار شدند. (انعام: ۱۴۰)

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۴۸۴؛ در مقابل و به نفع طرفداران کنترل جمعیت، برخی به این روایت استناد کرده‌اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که دارای یک دختر است، بار سنگینی بر دوش دارد و آن که دو دختر دارد بایسته فریادرسی است و وجود سه دختر انسان را از جهاد در راه خدا و هر کاری که بر او گران آید معاف می‌کند و آن که چهار دختر دارد ای بندگان خدا! به او کمک رسانید، به او قرض دهید و بر او ترحم کنید. (بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۱)

نتیجه اینکه کاهش جمعیت نوعی خسران برای جامعه اسلامی است و نوعی کار سفیهانه و بدون علم به عواقب این کار است.

ب. روایات

مهم‌ترین روایاتی که طرفداران رشد جمعیت در میان شیعه و سنی با استناد به آنها به مخالفت با برنامه‌های کنترل جمعیت، محدود کردن باروری و کاهش نسل مسلمانان برخواسته‌اند در چند دسته می‌توان جای داد:

۱. مطلوبیت ازدواج: در روایت صحیح محمد بن مسلم از

امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «تَزَوَّجُوا فَإِنِّي مُكَاثِّرٌ بِكُمْ الْأُمَمَ غَدًا فِي الْقِيَامَةِ»^۱ ازدواج کنید؛ زیرا من در فردای قیامت به زیادی تعداد شما مباحثات می‌کنم.

و عایشه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین نقل می‌کند: «النَّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ لَمْ يَعْمَلْ بِسُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي وَتَزَوَّجُوا مَكَاتِرَ الْأُمَمِ وَ مِنْ ذَا طُولٍ فَلْيَنْكِحْ وَ مِنْ لَمْ يَجِدْ فَعَلَيْهِ بِالْصِّيَامِ فَإِنَّ الصَّوْمَ

۱. وسائل الشیعه، حر عاملی، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۴.

لَهُ وَجَاءٌ»^۱ نکاح از سنت من است پس کسی که به سنت من عمل ننماید از من نیست و ازدواج کنید؛ زیرا من به کثرت شما امت افتخار می‌کنم و کسی را که دارای مکنت و توانایی است. پس باید ازدواج کرد و کسی که توانایی ندارد پس روزه بگیرد؛ زیرا روزه از بین‌برنده شهوت اوست.

۲. انتخاب زنان زاینده (ولود): جابرین عبدالله گوید

نزد نبی اکرم ﷺ بودیم که آن حضرت فرمود: «إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوُلُودُ الْوُلُودُ الْوُدُودُ الْعَفِيفَةُ الْعَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا الدَّلِيلَةُ مَعَ بَعْلِهَا...»^۲؛ همانا بهترین زنان شما زنان زاینده بیار بیچه آورند (که این صفات را داشته باشند) دوست داشتنی، پاک‌دامن، عزیز در نزد خانواده خویش و ذلیل کنار شوهرش ...

و نیز حضرتش ﷺ فرمود: «تَزَوَّجُوا الْأَبْكَارَ فَإِنَّهُنَّ أَطْيَبُ شَيْءٍ أَفْوَاهًا... أَمَا عَلِمْتُمْ أَنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

۱. سنن اب‌ماجه، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۱۸۴۶.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۲۸-۲۹.

حَتَّىٰ بِالسَّقَطِ»^۱ ازدواج کنید با دختران بکر که ایشان صاحبان رحم‌های پاک‌اند ... آیا نمی‌دانید که من به کثرت امت در روز قیامت مباحثات می‌کنم حتی به افرادی که از امت من سقط شده‌اند.

مردی نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: همانا من با زنی زیبا و دارای شرافت برخورد کردم درحالی که او نازاست. آیا با او ازدواج کنم؟ فرمود: خیر. سپس برای دوم آمد که دوباره حضرت او را نهی نمود. آنگاه که برای بار سوم آمد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «تَزَوَّجُوا الْوُدَّ الْوَلُودَ فَإِنِّي مَكَاثِرٌ بِكُمْ الْأُمَمِ»^۲ با زنی که اهل محبت باشد و نیز فرزند آورد، ازدواج کن. همانا من به کثرت شما (در روز قیامت) مباحثات می‌کنم.

و نیز از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شد: «تَزَوَّجُوا بَكَراً وَلُوداً وَلَا تَزَوَّجُوا حَسَنَاءَ جَمِيلَةً عَاقِرًا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمَ

^۱. همان، ص ۵۵.

^۲. سنن ابی داود، باب النہی عن تزویج من لم تلد من النساء، ج ۲، ص ۲۲۷.

يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱ با زنان بکر و زاینده ازدواج کنید و با زنان زیباروی نازا ازدواج نکنید که من به امت شما فخر می‌کنم.

۳. عمل به سنت نبوی ازدواج: انس بن مالک از پیامبر ﷺ نقل می‌کند: «أَنَا أَصَلَّى وَأَنَامُ وَأَصُومُ وَأُفْطِرُ وَأَتَزَوَّجُ النِّسَاءَ فَمَنْ رَغِبَ عَنِّي سَتَيْ فَلَئْسَ مِنِّي»^۲؛ «من نماز می‌خوانم و می‌خوابم و روزه می‌گیرم و افطار می‌کنم و با زنان ازدواج می‌کنم. پس هر که از روش من روی برگرداند از من نیست.

و نیز از حضرتش روایت شد: «مَا يَمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ نَسَمَةً تُثْقِلُ الْأَرْضَ بِلَا إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ»^۳؛ رسول اکرم ﷺ فرمود: چه چیزی مؤمن را باز می‌دارد از اینکه خانواده تشکیل دهد شاید خداوند به او فرزندی

۱. همان، ج ۲۰، ص ۵۴.

۲. صحیح بخاری، باب ترغیب فی النکاح، ج ۷، ص ۲، ح ۱؛ السنن الکبری، ج ۱۰،

ص ۲۳۴، ح ۱۳۷۳۴.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۴.

روزی نماید که با گفتن لا اله الا الله مایه سنگینی زمین گردد.

۵. ترغیب به داشتن اولاد: رسول اکرم ﷺ فرمود: «مِنْ نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَى الرَّجُلِ أَنْ يُشَبِّهَهُ وَلَدُهُ»^۱؛ از نعمت خداوند بر مرد، داشتن فرزندی است که به وی شباهت دارد.

و امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: إِنَّ لِكُلِّ شَجَرَةٍ ثَمَرَةً وَ ثَمَرَةُ الْقَلْبِ الْوَلَدُ^۲؛ برای هر درختی میوه‌ای است و میوه دل انسان داشتن فرزند است.

و امام باقر علیه السلام فرمود: «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ الْوَلَدُ يُعْرِفُ فِيهِ شَبِيهَهُ خَلْقُهُ وَ خُلُقُهُ وَ شَمَائِلُهُ»^۳؛ از سعادت مرد این است که فرزندی داشته باشد تا شباهت و خلقت و خُلق و خوی و سیمای وی در او مشاهده شود.

۱. الکافی، ج ۶، ص ۴.

۲. نهج الفصاحه، ص ۷۹؛ به همین سبب است که امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: مَوْتُ الْوَلَدِ صَدْعٌ فِي الْكَبِدِ؛ مرگ فرزند جگرخراش است. (غررالحکم، ص ۴۰۷).

۳. الکافی، ج ۶، ص ۴.

زشتی کشتن فرزند از ترس کمی غذا: روایت شد از ابن مسعود که وی از رسول خدا ﷺ پرسید: بزرگ‌ترین گناه کدام است؟ فرمود: اینکه برای خدا شریک قرار دهی درحالی‌که او تو را خلق کرده است. گفتم: در مرتبه بعدی؟ فرمود: «أَنْ تَقْتُلَ وَلَدَكَ مَخَافَةَ أَنْ يَطْعَمَ مَعَكَ»^۱ اینکه فرزندان را بکشی از ترس اینکه با تو هم غذا شود.

۶. محبت به اولاد: در روایت است که «وَكَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا أَصْبَحَ مَسَحَ عَلَى رُؤُوسِ وَلَدِهِ وَوَلَدِ وَلَدِهِ»^۲ رسول اکرم ﷺ هر بامداد بر سر فرزندان و فرزندان و فرزندان دست نوازش می‌کشید.

۷. تشویق به کثرت اولاد: رسول اکرم ﷺ فرمود: مَنْ وَلَدَ لَهُ أَرْبَعَةُ أَوْلَادٍ لَمْ يُسَمَّ أَحَدَهُمْ بِاسْمِي فَقَدْ جَفَانِي^۳ هر کس صاحب چهار فرزند شود و یکی از آنها را به نام من نامگذاری نکند در حق من ظلم کرده است.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۳۳۲.

۲. بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۰۰.

۳. الکافی، ج ۶، ۱۹.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْفَعُ دَرَجَةَ الْعَبْدِ فِي الْجَنَّةِ فَيَقُولُ يَا رَبِّ أَنْى لى هَـذِهِ فَيَقُولُ بِاسْتِغْفَارٍ وَلَدِكَ لَكَ»^۱؛ روز قیامت درجه شخص در بهشت بالا می‌رود. گوید: از کجا این درجه به من داده شد. گفته می‌شود: به سبب طلب آمرزش فرزندت برای تو.

و نیز آن رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا عَنْ ثَلَاثٍ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ وَ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ وَ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ»^۲؛ زمانی که فرزند آدم بمیرد تمام اعمال او قطع می‌شود مگر سه چیز: فرزند صالحی که برای وی دعا کند، علمی که به او سود رساند و صدقه‌ای که آثارش ادامه داشته باشد.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: مَنْ عَالَ ثَلَاثَ بَنَاتٍ أَوْ ثَلَاثَ أَخَوَاتٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ اثْنَتَيْنِ

۱. آثارالصادقین، ج ۲۷، ح ۳، م ۳۸۵۵۱؛ تفسیر روح البیان، حقی بروسوی، بیروت، دارالفکر، بی تا، ج ۵، ص ۱۴۸.

۲. البسام، تنظیم النسل و تحدیده، مجله المجمع الفقه الاسلامیه، ج ۱، ص ۲۲۸.

فَقَالَ وَاثْنَتَيْنِ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَوَاحِدَةً فَقَالَ وَوَاحِدَةً؛^۱ هر که متحمل خرج و هزینه سه دختر یا سه خواهر شود بهشت بر او واجب می‌شود. عرض شد یا رسول الله! دو دختر یا دو خواهر چطور؟ فرمود: اگرچه دو دختر یا دو خواهر باشد. عرض شد: یک دختر یا یک خواهر چه؟ فرمود: اگرچه یک دختر یا خواهر باشد.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: مَا مِنْ بَيْتٍ فِيهِ الْبَنَاتُ إِلَّا نَزَلَتْ كُلُّ يَوْمٍ عَلَيْهِ اثْنَتَا عَشْرَةَ بَرَكَةً وَ رَحْمَةً مِنَ السَّمَاءِ وَلَا يَنْقُطُ زِيَارَةُ الْمَلَائِكَةِ مِنْ ذَلِكَ الْبَيْتِ يَكْتُبُونَ لَائِبِهِمْ كُلُّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ عِبَادَةَ سَنَةٍ؛^۲ هیچ خانه‌ای نیست که در آن دخترانی باشند جز اینکه هر روز دوازده برکت و رحمت از آسمان بر آنها نازل شود و زیارت ملائکه از آن خانه قطع نشود و برای والدین آنان هر روز و شب عبادت یک سال نوشته شود.

۱. الکافی، ج ۶، ص ۶.

۲. جامع الاخبار، تاج الدین، شعیری، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۳ش، ص ۱۰۵-۱۰۶.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: مِيرَاثُ اللَّهِ مِنْ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ الْوَلَدُ الصَّالِحُ يَسْتَغْفِرُ لَهُ؛^۱ میراث خدا از بنده مؤمن فرزند شایسته‌ای است که برای او طلب آمرزش کند.

و امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِذَا أَرَادَ بَعْدَ خَيْرٍ أَلَمْ يُمِتْهُ حَتَّى يُرِيَهُ الْخَلْفَ»؛^۲ همانا خدای متعال چون خیر بنده‌ای را بخواهد او را از دنیا نبرد تا به او فرزندی که جانشین وی باشد عطا کند.

و نیز در روایت از بکربن صالح است که گوید خدمت امام موسی کاظم علیه السلام نوشتم: پنج سال است از اینکه صاحب فرزند شوم، پرهیز دارم؛ زیرا همسرم از آوردن اولاد اکراه دارد و می‌گوید تربیت آنها به سبب تنگدستی بر من دشوار است. نظر مبارک چیست؟ آن حضرت علیه السلام در جواب نوشت: «تو در تمام طلب اولاد باش خدا روزی‌شان را می‌دهد».^۳

۱. آثارالصادقین، ج ۲۷، ح ۶، ۳۸۵۵۴؛ وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۵۹.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۵۷.

۳. آثارالصادقین، ج ۲۷، ح ۲۵، ۳۸۴۳۶؛ الکافی، ج ۶، ص ۳.

۸. دعای طلب اولاد: امام سجاده علیه السلام در دعای ۲۵

صحیفه سجادیه به درگاه الهی عرضه می‌کند: «اللَّهُمَّ وَمَنْ عَلَى بَقَاءِ وُلْدِي وَبِإِصْلَاحِهِمْ لِي وَبِمُتَاعِي بِهِمْ. إِلَهِي أَمْدُودُ لِي فِي أَعْمَارِهِمْ، وَزِدْ لِي فِي آجَالِهِمْ، وَرَبِّ لِي صَغِيرَهُمْ، وَقَوِّ لِي ضَعِيفَهُ»؛^۱ بارخدایا! با بقای فرزندانم و اصلاح آنان و بهره‌وری‌ام از آنان بر من منت گذار. الهی! مددم رسان به طولانی شدن عمر آنها و سرآمد زندگی آنها را به تأخیر افکن. و پرودگارا! خردسالانشان را برایم پرورش و ضعیفانشان را نیرومند فرما.

و در فرازی دیگر از این دعا می‌فرماید: «وَكَثْرَ بِهِمْ عَدَدِي، وَزَيْنَ بِهِمْ مَحْضَرِي، وَأَحْيِي بِهِمْ ذِكْرِي، ... وَأَعِنِّي بِهِمْ عَلَى حَاجَتِي، ... وَأَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ وَتَأْدِيبِهِمْ، وَبِرَّهُمْ، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ مَعَهُمْ أَوْلَادًا ذُكُورًا»؛^۲ جمعیت را به سبب فرزندانم زیاد گردان، و مجلس و منزل را با آنان زینت بخش، و آنان را در غیابم جانشینم گردان، و ... و

۱. صحیفه سجادیه، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۶ش، ص ۱۲۱.

۲. همان.

به سبب آنها حواشی مرا برآورده کن، ... و مرا در تربیت و تأدیب و نیکی به آنها کمک کن، و از جانب خود به آنها اولاد ذکور مرحمت فرما.

۳. نظریه اعتدال

در بحث از مقوله کنترل جمعیت افزون بر دو نظریه موافق و مخالف می‌توان به نظریه اعتدال نیز اشاره کرد که این نوشتار در حدّ خود در پی تبیین و اثبات آن است.

اعتدال و میانه‌روی از اصول مسلم اسلام و از اموری است که پیشوایان دینی بارها به آن توصیه کرده‌اند که خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا؛ بهترین کارها میانه‌روی است.^۱ و نیز امام علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر می‌نویسد:

وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ وَ
أَعْمُهَا فِي الْعَدْلِ.^۲

و باید از کارها آن را بیشتر دوست بداری
که میانه‌ترین نسبت به حق و گسترده‌ترین
در عدالت باشد.

۱. الکافی، ج ۶، ص ۵۴۱.

۲. نهج البلاغه (فی شرحه)، ج ۱۷، ص ۳۵.

خداوند متعال امت خویش را به اعتدال می‌ستاید^۱ و رسول خدا ﷺ اعتدال را رمز نجات‌بخش فرد و جامعه می‌داند.^۲

بر اساس نظریه اعتدال در مقوله جمعیت، رشد بی‌رویه جمعیت و نیز رشد منفی آن، هر دو مضرند اما این به معنای تبلیغ حدی میانه از نظر عددی نیست. برای درک بهتر مطلب، یک بار دیگر آیات و روایات ذکر شده - که هر کدام به نوعی با مسئله کنترل جمعیت از جهت نفی یا اثبات مرتبط‌اند - را به مرور می‌نشینیم.

اولاً در آیات قرآنی و روایات، تشویق فراوانی به ازدواج و خروج از تجرد شده است.^۳ بدیهی است که یکی از نتایج ازدواج در اغلب موارد به دنیا آوردن فرزند و تکثیر نسل است. افزون بر اینکه در برخی روایات به ازدواج با هدف تکثیر نسل، توصیه شده است.^۴ با این همه

۱. وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا. (بقره (۲)، آیه ۱۴۳)

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۲۰.

۳. برای نمونه: وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۰۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۴۹.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۳.

نکته پراهمیت این است که روایات مذکور دلالت بر وجوب ازدواج و تکثیر نسل مسلمانان ندارند. و ثانیاً آیات و روایاتی وجود دارد که فزونی جمعیت مسلمانان را یک ارزش مهم هم در دنیا و هم در آخرت می‌داند. فرزندان در دنیا زینت، مایه استعانت^۲ و امداد^۳ در آخرت مایه مباهات پیامبر اسلام ﷺ معرفی شده‌اند. مستفاد از مجموع این روایات اصل اولی استحباب تکثیر نسل است.

بنا بر این دو سخن، اسلام بر اساس مصلحت جمع، ازدواج و نیز تکثیر نسل را واجب نکرده اما آن را امری پسندیده و مورد تأیید دانسته است. پس سخن صحیحی است اگر گفته شود شارع به عنوان اصل اولی ترغیب به فرزندآوری کرده است و کثرت جمعیت مطلوب اولی شارع است؛ چنان‌که در روایات متعددی امتناع از فرزنددار

۱. کهف (۱۸)، آیه ۴۶.

۲. الکافی، ج ۶، ص ۲.

۳. نوح (۷۱)، آیه ۱۲.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ۱۵۰ و ۱۵۳؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۵۴.

شدن به دلیل ترس از فقر مورد نکوهش قرار گرفته است؛^۱ چراکه این نگاه ناشی از بدگمانی به خداست؛ درحالی که خداوند روزی همگان را ضمانت کرده است. در مقابل، روایاتی که فرزند زیاد را مایه سختی و عقوبت الهی می‌دانند^۲ حمل به این واقعیت می‌شوند که مال و فرزند زیاد در موارد قابل توجهی مایه دردسر و نیز غفلت از یاد خداوند است.

مرحله بعدی سخن این است که گرچه کثرت نسل مورد تأکید متون دینی است اما به نظر می‌رسد تکثیر نسل به صورت مطلق مورد تأیید شرع نباشد؛ محض نمونه در برخی آیات و روایات اوصافی برای فرزند و زادآوری وجود دارد که بنا بر اصل «وصف مشعر علیت»^۳ می‌توان قول به تکثیر نسل را قید بزند؛ برای مثال روایتی علت تشویق به فرزندآوری را تکثیر مؤمنان و لاله‌الله‌گویان

۱. برای نمونه: الکافی، ج ۶، ص ۳، ح ۷.

۲. بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۶۱.

۳. یعنی وصف تا حدی گویای علت حکم.

دانسته است^۱ یا آیه‌ای که فرزند را به عنوان زینت یا باقیات صالحات معرفی کرده است.^۲ فرزند نعمت است و داشتن فرزندان بیشتر، مورد تأیید دین است؛ اما نه در هر شرایطی. فرزند اگر زینت، اثر صالحی از والدین، مؤمن و گوینده لا اله الا الله باشد، مطلوب است. می‌توان از این نکته نتیجه گرفت که اگر فرزند زیاد در شرایطی و بنا به علل و عوامل فرهنگی، تربیتی یا اقتصادی باعث کم توجهی والدین به تربیت دینی و انسانی فرزندان شود، تکثیر نسل ترجیحی ندارد. پس قول به افزایش جمعیت به صورت مطلق مورد تأیید نیست.

قاعده نفی سیل^۳ نیز می‌تواند در این بحث مؤثر باشد. می‌توان گفت در وضعیتی که جمعیت مسلمانان به حدی کم شود که موجب سیطره دشمنان اسلام گردد، افزودن نسل مسلمانان و فرزندآوری واجب است.^۴

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۴.

۲. کهف (۱۸)، آیه ۴۶.

۳. قاعده‌ای اصولی برگرفته از: نساء (۴)، آیه ۱۴۱.

۴. مکارم شیرازی، مجله فقه اهل بیت، تحدید نسل، سال سوم، ش ۱۱، ص ۸۵.

مجموع این سخنان ما را به نظریه اعتدال رهنمون می-گردد. بر اساس نظریه اعتدال از سویی رشد جمعیت باید در حدی برنامه‌ریزی شود تا نیروی انسانی مورد نیاز جامعه اسلامی را تأمین کند و افزون بر حفظ نسل، به حکم آیه نفی سبیل (نساء: ۱۴۱) راه نفوذ قدرت‌های بیگانه را ببندد و از سویی دیگر نباید کیفیت جمعیت جایگاه خاص خویش را از دست داده، وظیفه تربیت و اصلاح به فراموشی سپرده شود که فرزند نیکوکار مایه سعادت آدمی است.^۱

ذکر نکته‌ای مهم در تفسیر قول به اعتدال آن است که نباید مانند برخی بزرگان، این قول را به تقلیل عددی جمعیت و کنترل تعداد تفسیر کرد؛ چنان‌که آیت الله مکارم شیرازی می‌فرماید:

با توجه به آیات و روایاتی که در مورد افزایش نسل مسلمانان ذکر شد، حکم مسئله کنترل جمعیت بستگی تام به وضعیت هر دوره زمانی و اوضاع هر منطقه دارد. بنابراین اگر زمانی جمعیت مسلمانان به

۱. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۵۵-۱۵۶.

حدی کم شود که موجب سیطره دشمنان اسلام بر آنان شود، می‌توان گفت در چنین وضعیتی افزودن نسل مسلمانان و فرزندآوری واجب است. اما اگر زمانی همین کثرت افراد موجب ضعف و تباهی مسلمانان شود تردیدی نیست که این حکم تغییر می‌کند و می‌توان گفت کنترل جمعیت جایز بلکه لازم است.^۱

این سخن از نگاه فقهی و روایی جای تأمل دارد؛ چراکه نظریه تعادل در کنار اصالت بخشی به تکثیر نسل، به معنای درک موقعیت و اقتضای زمان در جهت تنظیم جمعیت است. بدیهی است با چنین برداشتی به کارگیری بسیاری از روش‌هایی که راه بازگشت به اصل اولی را مسدود می‌کند مانند عقیم سازی مرد (وازکتومی) ممنوع است؛^۲ که شیطان امر می‌کند تا خلقت خدا را تغییر دهند.^۳ و بدیهی است با چنین برداشتی جواز عزل که راهکار منقول در روایات

^۱. مکارم شیرازی، ص ۸۵.

^۲. رساله نکاحیه، ص ۳۱۸.

^۳. اشاره به نساء (۴)، آیه ۱۱۹.

است^۱ نیز به معنای کاهش جمعیت با نگاه غربی نیست بلکه امری موقتی در جهت سامان دادن به وضعیت بهتر تربیتی و مدیریتی خانواده است. در نگرش کسی که معتقد به اعتدال در مقوله جمعیت است به کارگیری هر روشی که موجب سقط جنین، کورتاژ یا عقیم شدن گردد تنها به حکم ثانوی و در هنگام ضرورت حفظ جان، صحیح است.

برخی دیگر از بزرگان که موافق با کنترل جمعیت هستند،^۲ در واقع قَلّت جمعیت را در مقابل کثرت مطرح کرده‌اند؛ درحالی‌که نظریه کاهش جمعیت با اطلاقش از دیدگاه اسلام مردود است و در صورت لزوم باید اصل اعتدال را جایگزین آن کرد. تفاوت ظریف نظریه اعتدال با نظریه کاهش جمعیت را می‌توان در این جمله خلاصه کرد که بنا بر نظریه اعتدال، اصل اولی در اسلام بر کثرت جمعیت است اما شارع برای دوری مسلمانان از عُسر و حَرَج با وفاداری به اصل کثرت جمعیت مسلمین، مسیر

^۱ برای نمونه ر.ک: الکافی ج ۵، ص ۵۰۴.

^۲ الحیاه، ج ۸، ص ۴۳۵.

تحدید نسل را باز گذاشته، شرایط آن را معرفی می‌کند؛ چنان‌که در استفتای سوم ذکر شد که امام خمینی (قدس سره) شرایط پنج‌گانه‌ای را برای جواز بستن لوله‌های رحم ذکر کرده است که از جمله آنها ضرر نداشتن است.^۱

تعبیر رسایی که می‌تواند مفهوم نظریه اعتدال را برساند عنوان «تنظیم خانواده» است؛ مراد از تعادل جمعیت در بحث تنظیم خانواده وابستگی تصمیم‌گیری در این مورد، به مصالح و مقتضیات و شرایط جامعه است. سخن در این است که آحاد جامعه با توجه به شرایط و موقعیت‌های اقتصادی، خانوادگی و تربیتی خویش در تعیین تعداد فرزندان مخیّرند. بنابراین نظریه اعتدال با تکیه بر اصالت کثرت جمعیت، تعیین تعداد فرزند را بر عهده عرف گذاشته است تا خردمندان زیستن را برگزینند.

^۱ از این شروط می‌توان برداشت کرد که اصل اعتدال مورد تأیید ضمنی فقهاست؛ زیرا نازایی دائمی و ضرر به مزاج و نقفص عضو در تقابل با اعتدال طبیعت انسانی است.

سخن آخر اینکه دین اسلام، انسان را در برابر همه گونه رفتار مسئول می‌داند که **كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ**^۱ و هشدار می‌دهد که هر اقدام و تصمیمی باید با خردمندی و دانایی و تدبیر همراه باشد.^۲ در موضوع جمعیت نیز باید انسان بداند چه می‌کند تا بر اثر جهالت، مکانی لغزنده را برای ایستادن برگزیند؛ باید پیامدهای رشد افراطی جمعیت را در نظر آورد و با توجه به امکانات، آینده نگرانه و عاقبت‌اندیشانه تصمیم گرفت. تکثیر نسل مانند هر تصمیم دیگر زندگی نیازمند شناخت زمانه و آگاهی از مشکلات آن است که **مَنْ تَوَرَّطَ فِي**

۱. رسول اکرم ﷺ فرمود: همه شما شبان هستید و همه‌تان نسبت به دیگران

مسئولید. (بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۸)

۲. رسول اکرم ﷺ فرمود: **إِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا فَأَعْمَلْ بِلَعْلَمٍ وَ عَقْلٍ وَ إِتَاكَ وَ أَنْ تَعْمَلَ**

عَمَلًا بِغَيْرِ تَدْبِيرٍ وَ عِلْمٍ. (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۱۲؛ مکارم الاخلاق، حسن-

بن فضل طبرسی، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۵۸)

الْأُمُورِ بِغَيْرِ نَظَرٍ فِي الْعَوَاقِبِ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلنَّوَائِبِ التَّدْبِيرُ قَبْلَ
الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ التَّدَمُّ^۱

... پایان

^۱. از سفارشات امیرمؤمنان علی علیه السلام به امام حسن مجتبی علیه السلام است که هر کس بدون نگرستن در عاقبت دست به اقدام زند خود را گرفتار پیشامدها سازد. تدبیر و تفکر قبل از انجام کار تو را از پشیمانی ایمن نگه می دارد.